

هو الفتح العليم بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على اشرف الانبياء
 والمرسلين وعلى وصيه على بن ابي طالب والائمة من ذريته اجمعين
 وبعد اين خاطي و عاصي الموسوم به محمد بن علي اكبر عطاري تبريزي
 بعد از فراغت كتاب كنجينه عطار و كشكول عطاري و كتاب شرح
 جنة الواقع مرحوم ميرداماد عليه الرحمه خواستم بحول و قوة الهی
 جلّت عظمت و توجهات ائمة اطهار عليهم السلام برای اشخاص
 صاحب ذوق و صفاء در رشته علم شریف جعفر آنجه از كتاب
 های خطی قدیم مطالعه و استفاد كردیده به طبق اخلاص
 جهة طالبان این طریق تقدیم اخوان الصفاء كردد و اگر خطائی
 و یا سهوی و یا اشتباهی مشاهده كردد عفو و اغماض فرمایند
 و در مواقع مخصوص از دعاي خير و طلب مغفرت مضایقه نمایند
 من الله التوفیق و علیه التكلان بتاریخ پُرسیمت و کثیر البركات
 هجدهم شهر ذی الحجة الحرام هزار و سصد و نود و نه هجری قمری
 عبد الامید غدیر خم مولای متقیان علی بن ابی طالب علیه السلام
 (س ۳۹۹ ل ۵)

علماء جفر جواب در از جفر جامع استخراج میکنند و آنرا جفر کبیر
 میگویند و هر که صاحب فهم است آنرا خوب خواهد فهمید بعضی
 از اساتید میفرمایند که استخراج از جفر جامع تحریر کردن
 البجد یعنی از دو و چهار البجد است از ۲۸ حروف ۲۸ جزو بر
 حروف البجد مقرر کرده اند و هر حرفی از یک جزوئی منسوبست
 و هر جزو او ۲۸ صفحه است و در هر صفحه ۲۸ سطر و در هر سطر
 ۲۸ خانه است و در هر خانه چهار حروف دارد و تمام صفحات ۲۸۴
 خانه حروف دارد و تمام صفحات ۲۸۴ خانه حرف دارد و تقسیم ۲۸
 جزو بر سبعة سیاره است و هر سیاره از هر اقلیمی تعلق دارد
 و از قیاس یک جزو یک اقلیم و هر صفحه یک شهر و هر یک سطر یک
 محله است و هر خانه یک مکانی است و در صفحه اول خانه اول
 جفر جامع ۴ الف میباشد باین ترتیب [۱۱۱۱] و خانه دوم از سطر
 اول جزو اول در صفحه اول سه الف و یک ب میباشد باین ترتیب [۱۱۱ب]
 و خانه سوم از سطر اول جزو اول سه الف و یک ج میباشد [۱۱۱ج]
 و خانه چهارم از سطر اول جزو اول سه الف و یک د میباشد [۱۱۱د]
 و پس علیهذا تا آخر خانه چهار غین دارد باین نحو [غ غ غ غ] و اگر
 بخواهد که تمام جفر جامع را بنویسد با احتیاط تمام بنویسد که در
 حروف غلطی نباشد و اگر یک حرفی از حروف غلط باشد تمام غلط میباشد

و این علم تمام نخواهد شد مگر بحضور قلب و توجه تمام بنویسد
و دل خود را پریشان نکند و طریقی نرشتن اینست که حرف اول علامت
جزو ۱ علامت جزو ۲ علامت صفحه ۳ علامت صفحه ۴ علامت خانه
است و در استخراج مطلب جزئی و کلی - حضرت امیر المومنین علیه السلام
سفر نماید که احوال را استخراج کند و معلوم کند و به بیند که در
هر صفحه که احوال ماضی باشد - حرف اول ملفوظی و مکتوبی و
سروری آنرا علیحد جدا جدا بنویسد واضح باد که ملفوظی بر سه
قسم است حرف اول ملفوظی ۱۵ حرف است قسم دوم مکتوبی ۱۶ حرف
است و سروری ۱۷ حرف است (ملفوظی) الف - جم - دال - کاف
لام - سین - عین - صا د - قاف - ثین - ذال - ضا د - عین (سروری
با تا نا خا جا زا ظا فا ها ما حروف اول ملفوظی را ذکر میکنید
و با قیرایتنه و مکتوبی نیز بر همین قسم است و در سروری یک حرف
اول ذکر است و دو می بیند - و حروف هر سه قسم جدا جدا نماید
یعنی ملفوظی جدا مکتوبی جدا سروری جدا بنویسد و برابر او مکتوبی
و سروری نوشته یک سطر استخراج کند بعد اعراب دهد عبارت
ماضی معلوم خواهد شد و در هر -

سطری از جفر جامع اسم سائل باشد از آن خانه که در سطر اول است آن احوال ماضی است و در هر سطری که نام باشد آن احوال حال است و سطر یک زیر خانه است آن احوال استقبال است
 طریقه دوم استخراج اینست که تمام اعداد سؤال سائل را جمع کند و از ا حروف بنا کند و چهار درجه حاصل کند اول درجه اجاد دوم درجه عشرات سوم درجه حات چهارم درجه الف و از این چهار حروف بنا کند صفحه جفر جامع معلوم خواهد شد - و بعضی از استادان سیفر ما بیند که سؤال سائل را اول نام کند یعنی تکبیر صدر و مآخر تا نام حاصل آید بعد از این تمام حروف ملفوظی و مکتوبی و مسرور و جدا جدا بنویسد استخراج دهد هشت صفحه حاصل شود بعد اعدادش را جمع کند و اعداد اسم الله ۶۶ است ضرب کند بعد حاصل ضرب را نصف نماید و آن قدر یک عدد باقی ماند آن اعداد را برای اعداد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ۷۸۶ است تقسیم کند و هر چه باقی ماند آنرا با اعداد صفحه سائل جمع کند و حاصل جمع را در صفات جفر جامع را عددی طولاً از

اول تا خانه هشتم بنویسد و فکر کنید اگر اعداد هر دو خانه و اعداد مجموع مساوی باشند اعداد تمام سطر این خانه حاصل کرده صفحه جفر جامع کامل کند و شمار عدد آنرا این اعداد را خانه تقسیم کند و بر هر خانه که منتهی شود آنرا جدا بنویسد و همین طور باعتبار هر یک صفحه جدا بنویسد و از ترکیب این صفحه چهار حروف برای هر خانه تا هشت صفحه بترتیب بنویسد تا اینکه طرح ۲۱ عدد تمام شود و از حروف حاصل ۴ قسم برابر کند و هر یک قسمی باین ترتیب که بیان کردیم حروف جدا جدا بنویسد مثلاً حروف قسم اول را طرح ۲۲ کند بعد طرح ۶۶ کند بعد طرح ۵۵ کند بعد طرح ۴۴ کند از اول تا آخر همینطور طرح کند و هر چه از طرفی باقی ماند در آخر او را بنویسد یک سطر حاصل شود او را بنویسد مگر قسم اول و سیم حروف را که بحال خود بگذارد و حروف قسم دوم را و چهار حروف طرح ۲۲ کند باز طرح ۳۳ کند ۱۱۲ حرف استخراج خواهد شد بعد جمع حروف آنها را بیارد بعد تکبیر و صدر مآخر کند بحکم خداوند جواب موافق مطلب حاصل خواهد شد نظماً یا نثرّاً - وَاللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى عِزِّهِ

سؤال از جفر جامع کرمانی بکن مستحصله بهر خود آسان
 ترفع یا ترقی یا تنزل مساوات کند با اهل عرفان
 بقسمت چهار کن هر حرف خود را بجای خود گذار از بهر در مان
 تو بدو ح یکن داده ترفع بحصر تخضع ترقی ده دو چند
 تنزل ظ ذ ث شغفس مساوات ا جهر ظلم داخل آن
 اول سؤال را مقطع بنویسد و جمع کند عدد او را بکیسر
 بنویسد عدد وسط مجموعی را بگیرد و در پهلوی عدد جمع
 اصل بنویسد بعد تعداد حروف با عدد ثقاط بنویسد ملقب
 آن عدد حروف علیحد بنویسد بعد حروف استخراج نماید بعد
 صدر موخر نماید نظیر کواکب دهد نظیر بدو ح دهد بعد حروف
 را بملطوب دهد جواب بیرون آید - و در این امر وقت بسیار
 باید نمود که اشتباه نشود چون اکثر حروف را اگر اشتباه شود تمام
 آن سؤال الی آخر غلط میشود (سؤال)
 ام روز دوشنبه اسماء ی ل ب س ر هادی درخ ان ه
 م سی ح خ ا ه د ا م دی ان ه
 امروز دوشنبه اسماعیل پسر هادی در خانه مسیح خواهد آمد یا نه

عدد اصل ۲۱۱۷ و سیط مجموعی ۱۶۴ حروف ۴۰ ثقاط ۹
 خای اض اد غ ی ن دال س ی ن ق ا ف ه ا م ی م ط ا ی ا
 صدر موخر ان ی ا ی ط ض م ای دم ب ا ه غ ف ی ا ن ق د ن ا
 ی ل س نظیر کواکب ایقغ ن ک ث ن ن ث م و ط ن ث ض
 ط غ ن ن ط س ث ن ا ه ض ا ن ث ج غ نظیر بدو ح ا جش
 ج د ا ج ج اک ط ف ج ا ن ه ج ج س ط ت ا ج ث خ ف ز ج ا و ح
 مطلوب ا د ج ب ی د ب ک ک ض د ب ص ج و د د ع غ ش ب
 د خ ث ص خ د ب ه س جواب دوشنبه اسماء ی ل ب
 س ر هادی ب ه خ ان ه م س ی ح خ ا ه د ا م د
 دوشنبه اسماعیل پسر هادی به خانه مسیح خواهد آمد
 نظیر ایقغ (ای ق غ ب ک ر) ج ل ش د م ت ه
 ن ث و س خ ن ع (ذ ح ف ض ط ص ظ

دایره ا جش ا ج ج ش دل ه ط س ع ق ت س ب
 ب و ن ت ک ل م خ ذ ص غ ر ص ن ی
 طاب مطلوب هر حرف و قرینه

ا	ج	ه	ذ	ط	ک	م	ل	ن	ع	ص	ر	ت	ث	ذ	ظ
ب	د	و	ح	ی	ل	ن	ع	ص	ر	ت	ث	ذ	ظ	ظ	ظ

قاعدۀ دوم

ص ۱۸

(در علم جفر)

تا عده دُوم که علای کامل جواب و سؤال سائل را مطابق
سؤال حاصل میکنند حروف هر سه قسم را یعنی ملفوظی و مکتوبی
و سروری را امتزاج دهد و صدر ماخر کرده جواب حاصل میکند
بیان استخراج جفر جامع از حضرت امیر موفان علیه السلام منقول
است که احوال سائل را دریافت کند فرموده اند که اسم سائل
در هر صفحه که معلوم شود از سطر اول آن صفحه تا نام سائل آن
زمان ماضی است و در سطر یک اسم سائل است آن زمان
حال است و آنچه بعد از این سطر است آن زمان استقبال
است و اگر بخواند که احوال تمام استقبال و حال سائل در
یافت کند آن سطرها نیکه برای استقبالند خانه او ناد آنرا
بشمارد و هر يك خانه چهار و چهار حروف استخراج کرده هر را
جمع کند و زُبر بیئات را جدا کند بعد از این حروف ملفوظ
را جدا کند و مکتوبی و سروری نیز جدا کرده امتزاج دهد
اول يك حرف ملفوظی بنویسد دوم مکتوبی سوم سروری
بنویسد این قسم تمام حروف را یک سطر بنویسد بعد از آن

ص ۱۹

(در علم جفر)

سطر را در صدر مؤخرات گردش دهد و قتی که تمام در
آید در سطورات تکسیرات نظر کند اگر جواب سائل در آید
بهتر و الا جواب نیافت پس در سطورات دقیقاً و کاملاً
منسوباً و مقلوباً و عرض و طول و عمق و قطر نظر کند تمام
احوال آینده گویا خواهد شد و اگر بار هم گویا نشد سطر
او را جدا بنویسد و بر اربعه عناصر حروف گردش دهد
و امتزاج دهد اول آتشی بعد حروف بادی بعد آبی بعد
حروف خاکی همینطور این چهار حروف را جدا امتزاج داده
جدا کند مرتباً و منسوب و مقلوب کند تمام احوال گویا خواهد
شد - مثال عناصر اربعه مثلاً ط آتشی ری بادی و ك
آبی و ل خاکی بجمع ط ی ك ل میشود این چهار حروف را منسوب
و مقلوب کردیم ط یكل لکیط یكطل لطیل کیطل و طل لطلکی
شد همین طرح ۴۴ - و طریقه دوم اینست

که اول سطر را بغیر امتزاج داده ۴۴ حروف جدا کند و بنویسد
و هر چهار قطعه را مقدم و مؤخر کند و اعراب عنصری دهد مطلب
معلوم خواهد شد ————— طریقه سوم اینست که چهار حروف
را جدا بنویسد و اعداد جمله کبیر استخراج کرده حروف از اعداد
پیدا کند و از آن حروف یک سطر بنویسد صدر و مؤخر کند کل احوال
سائل دریافت خواهد شد آن چهار حروف اینها هستند ط ۹ ی ۱۰
ک ۱۱ ل ۱۲ جمله عدد (۶۹) شد از این لفظ سط طس بنا کردیم
این چهار حروف را زبریتیه کرده امتزاج دهد ط ای اک اف ل ام ج ی
ف ق ب جوع (۱۹۳) ج ص ق ثلاثه و تسعین بعد المائه مقطعت ل ا ث ه
ث س ع ی ن م ا ت ۹ - این همه تخلص کردیم ث ل ا ه ت س ع ی
ن م - شد (باب سوم)

در استخراج جواب و سؤال اگر بخواهد که حال کسی را دریافت
کند سؤال سائل را در بسط مسلم بنویسد و چهار چهار حروف جدا
کند و اگر باقی حروف یک یا دو حرف بماند پس بنیات او را پیدا کرده

این چهار حروف را تمام کند بعد هر جمله این چهار چهار را ملفوظی
و مکتوبی و مسروری جدا کرده سه سطر علیحد بنویسد سطر اول
ملفوظی را سطر دوم مکتوبی سطر سوم مسروری از سطر اول شاعر
از اول حرف چهارم گرفته بنویسد و از سطر دوم شماره کرده از حرف
اول حروف چهارم گرفته برابر حرف اول بنویسد بعد از سطر سوم شاعر
کرده از حرف اول حرف چهارم گرفته برابر حرف اول بنویسد هیطو
از این سه سطر یک سطر استخراج کند بعد این سطر را صدر و مؤخر کند
کل حال سائل از پرده غیب هویدا خواهد شد اگر از این قاعده حال
معلوم شود بهتر است و اگر از این طرح معلوم نشد پس از تقسیم خمس
متجره معلوم خواهد شد یعنی ۵ - طرح کند از این معلوم خواهد شد
و اگر از این نیز معلوم نشد پس از تقسیم سبعة سیاره معلوم خواهد شد
یعنی از طرح ۷-۷ و اگر از این هم معلوم نشد طرح ۹-۹ معلوم میشود یا از
۱۲-۱۲ کردن معلوم خواهد شد و اگر از این نیز معلوم نشد بر ۲۸-۲۸ منازل
قمر تقسیم کند و یک سطر جدا بنویسد بعد تکبیر صدر و مؤخر کند تمام حال خیر شره
معلوم خواهد شد (محمد باقر عطار)
۱۸ رجب قمری ۱۳۹۹

قاعده استخراج جواب سائل

بدانکه در قاعده استخراج جواب سائل حسین منصور حلاج در کتاب خود سرالانصار المعروف بحلاج الاسرار نوشته است که اول سؤال را فرد فرد بنویسد بعد طالع وقت استخراج کرده و زاد یعنی خانه اول و بلا و دهم و تمام بروج فرد فرد تحریر کند باین شرط که کل حروف در یک سطر بیاید بعد بسط تکسیر کرده تمام حروف را تخلص کند بعد از صدر و موخر نام حاصل کرده در عرض طول و عمق و قطر این جدول ملاحظه کرده بیند که از یک یا دو کلمه جواب شافی حاصل خواهد شد بقول مذهب اشرافیه اگر سؤال در فارسی یا عربی یا هند یا در هر زبان که باشد جواب ظاهر گردد و بقول جناب سیادت مآب سید حسین اخلاطی نورالله مرقد حروف سؤال سائل را فرد فرد بنویسد ۴۰ حروف جدا جدا تحریر کند بعد هر جمله ۴ حرفی را از ملفوظی و مکتوبی و سرودی ترکیب دهد و استخراج داده و تکسیر صدر و موخر نام حاصل کند بعد در جدول هذا ملاحظه کند که جواب سائل صافی حاصل شد یا نه اگر جواب پیدا شد که بهتر است

و اگر نشد سطر نام را خالص کرده باز تکسیر صدر و موخر کرده نام حاصل کند بعد در سطور تکسیر نظر کند که جواب پیدا شد یا نه و اگر نشد ۴۰ حروف نام را جدا جدا حواله صفحات جامع کرده آن صفحه ملفوظی و مکتوبی و سرودی تحریر کند بعد از ترکیب یک سطر استخراج کند در این جواب سائل بموجب سؤال هر چه شود و نیز این طریق الیه برای تکسیر در جواب سائل که اول و حروف مادر سائل تحریر کرده خالص کند بعد از این حروف را ملفوظی و مکتوبی و سرودی نوشته حروف بنیات را بگیرد و اعداد کبیر و وسط و صغیر از روی مکتوبی و سرودی نوشته حروف بنیات بگیرد و اعداد کبیر و وسط و صغیر از روی مکتوبی و سرودی خصل کبیر کرده حصول حروف را تکسیر صدر و موخر کند جواب پیدا شود نزع دیگر بدانکه تمام اولیا و الله از این قاعده بیان میکنند بدانکه در تمام عالم حیات و ممات و قبض و بسط و خیر و شر هر چه که در موجودات عالم پوشیده است آن ظاهر خواهد شد حضرت امام محمد باقر علیه السلام از این قانون اسم خود و اسم خلیفه وقت را بسط فرموده بودند و اسم مدعا یعنی هر اسمی که مطلوب بود آنرا بسط فرموده و حروف بنا کرد بسط اسمی از ملفوظی حروف عبارتست ملفوظی

و مکتوبی و سرودی را جدا جدا بنویسد بعد ۴۰۴ حروف شمار کرده
حرف چهارم جدا جدا بنویسد و هر چه که باقی ماند آنرا از قاعده زیر
بنیات تمام کند و استخراج داده سطر درست کرده تخلص کند اگر
از هفت حروف کم باقی ماند مدخل کند و اگر زیاده ماند تکبیر صدر
و موخر کند و از سطر تکبیر مطلب معلوم کند و اگر در ملفوظی و مکتوبی
و سرودی دو قسم باشد یعنی ملفوظی و مکتوبی و سرودی نباشد
آزفت نیز همان قاعده بکار آمده است (خشت) قاعده الیت
از حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه السلام میفرماید که حروف
سؤال را مفرد مفرد بنویسد بعد اعداد زیر تمام حروف موافق
درجه بنویسد بعد اعداد تمام حروف را جمع کرده حروف بنا کند
و این حروف را ملفوظی و مکتوبی و سرودی تحریر کند استخراج داده
صدر موخر کرده مطلب تلاش کند این همان قاعده الیت که
ذکر کردید شد (قاعده در بیان استخراج سؤال سائل
از خواجه نصیر الدین طوسی منقول است میفرماید که اول حروف
سؤال را جدا جدا بنویسد بعد حروف مکرر را بنویسد اسم سائل
که بخواند تخلص مذکور در حروف قاطی کند و بحد بنویسد و اعداد
جمع کرده بر منازل قمر تقسیم کند و اگر ۲۸ عدد کم بماند بر حروف ابجد

قطب طرح کند و بر هر حرفیکه منتهی شود آن حرف را نظیر ابجدی اصلی
دهد این مستحصله است و هر حرفیکه از سؤال سائل مستخرج اند آنرا
اول از حروف ابجد قطب دریافته از ابجد اصلی نظیر داده جدا تحریر
کند این مستحصله دیگر است و اعدادیکه از مستحصله اول پیدا کرده
بودند آنرا از حروف قطب ابجد حرف سیم و چهارم و ششم و هفتم و نهم
از استخراج خانه قطب ابجد آنقدر اعداد که از سؤال حروف پیدا شوند
هر یک حرف از شمار این خانهها استخراج کند این اسمش مستحصله خالص
است بدانکه هر وقتیکه سائل سؤال کند آنوقت بقاعده اهل نجوم طالع
وقت استخراج کرده برج طالع را معلوم کند

قاعده استخراج طالع وقت و استخراج آفتاب عالمتاب - اول در نهایت
کند که آفتاب در این وقت در کدام برج است و چند درجه طی کرده
است و طالع وقت بهر اشی کد ام منزل است و قمر در کدام منزل است
آفتاب و بروج و قمر و برج منازل هر چه در جدولات مات حروف
تقسیم شود از آن جدا اول حروف استخراج کرده جدا بنویسد این حرف
را جمع کرده از قطب ابجد مرتبه دریافته نظیر ابجد اصلی دهد این
هم اسمش مستحصله است

قاعده مرتبه حروف ابجد اصلی اینست که اول ابجد را بر سه حصه
تقسیم کند اول از الف تا ط مرتبه آحاد است دوم از ی تا صاد

مرتبه شرات است سوم از قاف تا ظ مرتبه مآت است و غیر
مرتبه الوف است — مثلاً اول حروف سؤال سائل را تخلص
کند و حروف شماره کرده جدا بنویسد بعد حروف اسم سائل را غیر
تخلص داد و حروف تخلص مذکور شریک کرده اعداد هر یک حروف
را از ۹ تقسیم کند اعداد یک باقی ماند آنرا معلوم کند که در آحاد یا
عشرات یا מאت حروف درجه و مرتبه معلوم کرده جمع کند آنرا
بجاء جواب پیدا خواهد شد نقش هین است (ابجد قطب)

س	و	ا	ل	ع	ظ	ی	م	خ	ق	ح	ز	ت	ق
ص	ن	ذ	غ	د	ب	ش	ک	ض	ط	ه	ج	د	ث

(ابجد اصلی)

اناس	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
نظیره	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

این مثالش چهار حرفی تحریر میشود اینرا باید خوب در خیال بیاورد
مثلاً ق ل م این چهار حرف سؤال و نام را از ابجد قطب دریا تقیم

باین ترکیب حرف اول قاف است و اعدادش یکصد میباشد
این را از ۹ تقسیم کردیم از صد یک باقی ماند اسمش تقیم آحاد است
از این این سه حرف ذ اب ج و آنرا ابجد قطب حروف کریم ص ن ذ
بعد از این عدد (ل) بی اینها نیز از ۹ تقسیم کردیم سه عدد باقی ماند
اسمش تقیم بشرات است حروفش ی ک ل و آنرا ابجد قطب این
حروف پیدا شد ط ه ج بعد از این حروف ص است ۹۰ عدد دارد
این را از ۹ تقسیم نمودیم چیزی باقی ماند اسمش تقیم مآت است
حروف ابجد اصلی ق ر ش است و آنرا ابجد حروف ظاهر شد ع ظ ی
بعد از این حرف میم است ۴۰ عدد دارد این را از ۹ تقسیم کردیم ۴
باقی ماند باز اسمش تقیم آحاد است حروفش آنرا ابجد اصلی این
است ده و ز و آنرا حروف ابجد قطب این است غ ر ب ش از مذکور
چهار حرف این کل حروف حاصل شد ص ن ذ ط ه ج ع ظ ی غ ر ب ش
همین جور استخراج کرده نظیره دهد بعد سائل را جواب دهد ان شاء تعالی
قاعده دوم مثلاً این چهار حرف فرض را سوال قرار داد و خالص
کردیم و غیر خالص حروف اسم سائل و حروف طالع وقت و حروف
آفتاب یعنی در هر درجه که در آن درجه آفتاب باشد و حروف

(در علم جفر)

(در بیان مداخل وفق زوجی)

واضح باد که وفق زوجی دو قسم دارد قسم اول زوج مطلق دو دم زوج
زوج فرد زوج مطلق اسم ۴ حرفی یا ۷ حرفی یا ۸ حرفی یا ۱۰ حرفی یا ۱۲ حرفی
دو دم زوج فرد اسم ۳ حرفی یا ۵ حرفی یا ۶ حرفی یا ۱۲ حرفی مثلاً زوج مطلق
اسم متعال و عدد دارد و زوج فرد اسم متکبر ۵ حرف دارد این هر دو را
جدا جدا و مفرد مفرد در جدا اول نوشتیم (متکبر

م	ت	ع	ا	ل	ی
ت	ا	ی	م	ع	ل
ا	م	ل	ت	ی	ع
ی	ل	ا	ع	ت	م
ع	ی	ت	ل	م	ا
ل	ع	ا	ی	ت	م

٢	ت	ك	ب	ر
ب	ر	م	ت	د
ث	ك	ب	ر	م
ر	م	ت	ك	ب
٣	٤	٥	١	٢
ك	ب	ر	م	ت

ا	ب	ت	ث	ج
ح	د	ذ	ر	ز
س	ش	ص	ض	ط
ظ	ع	ف	ق	ك
گ	خ	د	ذ	ر

ع	ل	ی	م
ی	م	ع	ل
م	ی	ل	ع
۲	۱	۴	۳
ل	ع	م	ی

(در علم جفر)

صلى

بودج قمر و منازل قمر این تمام حروف را جمع کردیم پس این
 حروف فرض پیدا شدند قیاسی ۲۱ اعداد قاف را بر منازل قمر
 تقسیم نمودیم ۱۶-۱ اعداد باقی ماند این را بر ابجد قطب تقسیم نمودیم
 وزن حاصل شد آنرا نظیره ابجدی دادیم حرف غین شد بعد از آن
 این اعداد لام ۳ است اینرا نیز بر ۲۸ منازل قمر تقسیم نمودیم دو
 باقی ماند آنرا ابجد قطب داد و حاصل شد و نظیره اش را است
 بعد از این صاد است از تقسیم ۲۸ منازل ۴ باقی ماند آنرا خانه ششم
 ابجد قطب ظا حاصل شد و نظیره اش میم است بعد از این میم
 ۴۷ عدد دارد این را بقا عدد بالا تقسیم نمودیم ۱۲ باقی ماند و آنرا
 حساب ابجد قطب آنرا خانه دوازدهم را حاصل شد همینطور آنرا
 طرح ۹-۹ مستحاصله حاصل کرده سائل را جواب دهد لیکن تا وقتی که
 حروف ملفوظی و مکتوبی و مسرودی را از نظیره ابجدی دادیم مث
 حاصل شد حروف مستحاصله این چهار حروف غ ر م ش حاصل شد
 حروف ملفوظی و مکتوبی و مسرودی را جدا نوشته استخراج دهد بعد
 صدرواخر کند جواب حاصل خواهد شد - والسلام ۵۲

بیان مدخل تکسیر منصوب الطرفین را بدانکه حروف سطر را در خانه های طاق یا جفت یک یک حرف از هر دو طرف بنویسد تا از مام آید یعنی سطر اول در آخر پیدا شود اسمش تکسیر منصوب الطرفین است و این مثالش است (نقش این است)

ا	ه	ط	م
م	ا	ط	ه
ه	م	ط	ا
ا	ه	ط	م

ا	ه	ط	م
ا	م	ه	ط
ا	ط	م	ه
ا	ه	ط	م

ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	ب
ب	م	ه	ف	ش	ط	ا	ذ
ط	م	ذ	ب	ف	ش	ه	ا
ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	ب

در بیان مقلوب التکسیر بدانکه حروف سطر در خانه های طاق یا جفت یک یک حرف هر سطر را بنویسد لکن هر دو سطر حرف اول قائم باشد بر این مثال - در صفر بدو بی باشد -

خانه های جفت

ا	ی	ق	غ	ب	ک	ر	ج	ل
ی	ع	ک	ل	ر	ب	ق	ا	ی
ع	ج	ر	ق	ا	ب	ل	ک	ی
ج	ق	ب	ک	ی	ل	ا	ر	ع
ق	ک	ل	ر	غ	ا	ی	ب	ج
ک	ر	ا	ب	ج	ی	ع	ل	ق
ر	ب	ی	ل	ق	غ	ج	ا	ک
ب	ل	غ	ا	ک	ج	ق	ی	ر
ل	ا	ج	ی	ر	ق	ک	غ	ب
ا	ی	ق	غ	ب	ک	ر	ج	ل

در بیان تکسیر زوج بدانکه تکسیر زوج زوج این را میگویند حروف جفت و سطر جفت باشد دو حرف از سطر بردارد بر تمام سطر محل بران بگذارد

ا	ی	ق	غ
ق	ی	غ	ا
غ	ی	ا	ق
ا	ی	ق	غ

خانه های طاق بدانکه تکسیر معکوس آنرا میگویند حروفی را که از سطر بردارند و بر حسب قاعده تحریر کنند و مثال اینست

نقش این است

(بیان تکیرات)

ا	ی	ق	غ	ب	ک
ک	ق	ب	ی	غ	ا
ی	ب	ک	ن	ا	غ
ق	ک	ا	ب	غ	ی
ب	ا	غ	ک	ی	ق
ک	غ	ی	ا	ق	ب
ا	ی	ق	غ	ب	ک

بدانکه تکیه میجانین و متخالفین
از برج حمل تعلق دارد و سیاره
اش مریخ است و تکیه مراتب
المحرف از برج مریخ تعلق دارند
سیاره اش زهره است و تکیه
مراتب العدی از برج جوزا تعلق
دارد و سیاره اش عطارد است

و تکیه عناصری از برج سرطان تعلق دارد و سیاره اش قمر است
تکیه مرکب محیی از برج اسد تعلق دارد و سیاره اش آفتاب است
و تکیه مرکب المحرف از برج سنبله تعلق دارد سیاره اش عطارد است
و تکیه مرکب العدی از برج میزان تعلق دارند و سیاره اش زهره است
و تکیه مرکب المحرفی از برج عقرب تعلق دارند و سیاره اش مریخ است
و تکیه بروج المحرفی از برج قوس تعلق دارند و سیاره اش مشتری است
در بیان تکیه اول بدانکه حروف طاق یا جفت از هر قسمی و هر قدری
باشند بهمان قدر خانه های مربع یا مثلث بنا کرده بپسند است

مداخل است و این دو قسم دارد قسم اول وقف تکیه متوسط شود بهتر
است و فوق اعداد میزان را گویند در خانه های طاق بپسند و هر سطر
را بحسب ترتیب وضع حروف اصلاح دهد - اسم شود یا آیه قرآن شریف
این از اسرار الهی است که از نا اهل و نامحرم پوشیده است - بدانکه
مداد تکیه بر استخراج حروف زمام است از حروف اسماء الهی و اسماء
آدم هر چه که در عناصر ادبیه عالم شش جهت و در اجسام و نفوس هست
حاصل هر چه در نفس است طبع او واجب است و هر طبع اجسم و هر جسم
دارد روح و هر روح اسم واجب است مرکب حروف دامنست روحانی
میگویند و این تمام تصرف از پروردگار عالمیان است اگر کسی حرفی را
دعوت کرده روحانی منفر کند و تازی آن حرف شود البته مراد حاصل
شود - قسم دوم در خانه های جفت حروف جفت بپسند

(بیان مداخل تکیه مرکب محیی)

مرکب محیی از برج اسد و کوكب آفتاب تعلق دارند - بدانکه حروف اسم
طالب و حروف اسم مطلوب اگر واسطی عمل محبت است آنوقت زهره
و مشتری را شامل کند بعد یکسره بنویسد و اگر برای عداوت
عمل کند آنوقت زحل و مریخ را شامل کند و یکسره تحریر کرده تکیه کند
و قتیکه زمام پیدا شود از آن سطر ۴-۴ حروف کرده معرب و معجم کرده

ملائکه هر حرف را بنویسد و اگر روز یکشنبه باشد در آتش بسوزاند
و اگر روز دوشنبه عمل کند در آب بیندازد و اگر روز سه شنبه
باشد عمل کند یا شنبه یا جمعه عمل کند در خاک دفن کنند
ملائکه - حضرت عزرائیل علیه السلام حضرت میکائیل علیه السلام حضرت اسرافیل علیه السلام حضرت
جبرائیل علیه السلام - و وقت عمل ابتداء بوی خوش بکار برد که تعلق به
کواکب دارد — حروف بروج و منازل قمر را ترکیب دهد

(بیان مداخل تکبیر مراتب حروف)

منسوب است انبرج ثور و کواکب زهره در اسم طالب و مطلوب هر که
مراتب اسم باشد او را اول بنویسد مثلاً قاسم که الفی دارد مرتبه
اولی است و این را اول نوشتیم بعد از این م بعد از این م بعد از
ام سق و بیانش الله تعالی بعد مفصل خواهد آمد

(بیان تکبیر مرکب العدی)

منسوب است انبرج میزان و انکواکب زهره بدانکه مداخل تکبیر مرکب
العدی ترکیب العربی ابتداء اسم یا کلمه باشد اینرا اجل کبیر میگویند
بعد از این حروف تلفظ مرکب بنویسد و بعد از این عدد بنویسد
مثلاً علی است اینرا در بسط سلم نوشتیم ع ل ی بعد از این

بسط مرکب لفظ عربی مثلاً سبعین ع ۷۰ عدد دارد بعد ثلثین
ل ۴۰ عدد دارد بعد عشری ۱۰ عدد دارد حروف مستخرج من ب
ع ی ن ت ل ا ث ی ن ع ش و ه (۱۸۵۸) این جمله عددش میباشد
و حروف آن اینست که ح ن ض غ از نام علی این حروف حاصل شد

(بیان تکبیر العدی)

منسوب است انبرج جوزا و کواکب عطارد بدانکه در حروف اسم
طالب و مطلوب هر که کم عدد دارد او را مقدم کند و هر که زیاده
اعداد دارد آنرا در آخر بنویسد مثلاً اسم احمد حرف الف کم عدد
دارد اول تحریر کردیم بعد از این دال بعد از این ما بعد از این میم
اد ح م مرکب اد ح م شد و اسم دوم حبیب است حرف کم عدد دارد
تحریر کردیم ب ب بعد از این ح بعدی حرف حمله ب ب ح ی مرکب
ببی (بیان تکبیر مرکب المحروف)

منسوب است انبرج جوزا و کواکب عطارد بدانکه مداخل
تکبیر مرکب الحروف اسم الله با اسم آدم هر چه باشد حروف
آنهارا لفظی بنویسید بعد صد را آخر کند مثلاً لفظ رحمان
دا ل ف ط ی کردیم دا ح ا م ی م ا ل ف ن و ن بعد اینرا مرکب نوشتیم
دا ح ا میم الف نون با اینصورت حروفات اسماء را باید تحریر کند

(بیان تکبیر مرکب الحروف) عناصر اربعه
منسوبست از برج سرطان و کوکب قمر بدانکه ترکیب تکبیر عناصر
اربعه و تقسیم این است مثلاً اسم شیدا حرف اولش است و اعد
او ۳۰۰ میباشد این ۱۱ از چهار تقسیم کردیم و باقی ماند ب حاصل
شد از بی نیز ب بعد از این حرف دال از این چیزی باقی نماند دال
بحال خود گذاردیم بعد از این الف لائین نیست که طرح شود این جمله
حروف از اسم شیدا حاصل شد ب ب دال

(بیان ترکیب الشفیع)
منسوب است از برج جدی و کوکب زحل بدانکه از اسم آدم حرف
اسم الله تعالی وضع کند و اسم الله را میان اسم طالب و مطلوب نوشته
و یکسره درست کرده صدر را آخر کند که تمام حاصل آید یعنی سطر اول
در آخر هویدا شود و این طریقه خت است مثلاً طالب احمد و مطلوب
قاسم و اسم خدا و دود) این حروف را در بسط مسلم بنویسد باین
نحو (قاسم و دود و داح م) اسم این تکبیر شفیع است و حروف اسم
الله و اسم خدا و اسماء الهی در هر عمل بکار میآید

(بیان مداخل تکبیر مرکب الوتری)
منسوبست از برج دلو و کوکب زحل بدانکه حروف اسماء الهی
و تراکری میان د و نضر جدا می شود این اسماء الله تعالی و اسم طالب
و مطلوب را باین ترکیب بنویسد احمد طالب و قاسم مطلوب و
اسماء الله یا دود و یا مهیمین یا صد این همه را بسط مسلم کند
ق ا و ا ح د س م د م د و بعد از تکبیر در هر عمل بیاید

(بیان مداخل تکبیر تزدیج الحرفی)
منسوبست از برج قوس و حوت و کوکب مشتری - بدانکه تزدیج
الحرفی این را گویند که حروف اسم طالب و مطلوب جفت باشند
و بعضی از استادان چنین تحریر میفرمایند که حروف اسم طالب
و مطلوب خواص طاق باشند یا جفت این حروف را از اول تا آخر
بسط مسلم کند و حروف تمام سطر را جمع کرده تکبیر کند مثلاً رجم و
قاسم - رح ی م و ق اس م یا معروف و محمود م ع ف د م ح م
ود -

(بیان مداخل تکبیر مرکب الحرفی)
منسوبست از برج حمل و عقرب و کوکب مریخ بدانکه تکبیر مرکب الحرفی
اسم الله یا اسم آدم باشد حروفش را الفظی کند بعد صدر را آخر
کند مثلاً صد - صاد میم دال تحریر نماید و السلام خیر ختام

(در جواب استخراج جواب و سؤال)

چند قاعده دارد - در کتاب ستر الا سراج قاعده هائی
استخراج سؤال جواب تحریر کرده میفرماید و قتیکه سائل سؤال
کند طالع وقت دریافت کرده خانه بروج حروف او تاد و
مطلب سائل و حروف روز و ساعت فرد فرد بنویسد بعد از
این از اعداد جمله یکی بنویسد بعد شماره حروف اعداد جدا
بنویسد بعد بر آن قدر که لفظها باشند آن قدر اعداد نوشته
حروف ملفوظی بنا کند مثلاً برج او تاد این حروف باین مثال
(ن ب ج د و ر ش) و اعدادش (۷ ۶ ۱) و حروف ۷ و نقاط ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷
این حروف ملفوظی بنا کردیم (ال ف س ی ن ذ ال ز ا و ا و) و اعداد
حروف روز و ساعت و سؤال ۲۲۵ - اند و شمار حروف ۱۱ - اند
و نقاط ۵ - اند از این نیز حروف ملفوظی بنا کردیم ه ا ک ا ف ر ا ب ا
ی ح ا این تمام حروف از سؤال و طالع وقت و او تاد و روز و
ساعت استخراج شدند بعد خالص کردیم ن ب ج د و ر ش ال ف
س ی ن ذ ز ه ک ج بعد این حروف را بسط گسودات کردیم
ن ب ا ج ر ق ن و ج ش ال ف م ن ی ه س ل ی ه ذ ز ه ل و ی ح د
(ب ا)

این حروف حاصل آمدند از این کیسطر بنا کرده نظیره دادیم

ای	ب	ا	ج	د	ق	ن	و	ح	خ	ر	ف	ن	س	ض	ج	ظ	ذ
ای	ب	ا	ج	د	ق	ن	و	ح	خ	ر	ف	ن	س	ض	ج	ظ	ذ
ای	ب	ا	ج	د	ق	ن	و	ح	خ	ر	ف	ن	س	ض	ج	ظ	ذ
ای	ب	ا	ج	د	ق	ن	و	ح	خ	ر	ف	ن	س	ض	ج	ظ	ذ

بعد از سطر نظیره هر دخیل که لازم است آنها را ترقی دهد
آنحرفیکه تنزل لازم است آنها را تنزل و کیسطر مستحصله بنا کند
بعد بسط غریزی کرده صدر یا آخر یک یا دو یا سه مرتبه کند سطر
آخر مائل سائل کو یا خواهد شد

قاعده بدانکه اول سؤال سائل مع اسم سائل و اسم مادر سائل و
روز و ساعت و طالع وقت بسط کرده نظیره داد از جزو و سطر مستحصله
استخراج کرده مرتبی و مقوی کرده تکیس کند سطر بیجم بر حال سائل کو یا
خواهد شد قاعده استخراج حروف مستحصله بدانکه
استخراج حروف مستحصله از نظرات کواکب بر تثلیث و تسدیس
است بقاعده علم نجوم و قتیکه سائل سؤال کند آنوقت طالع وقت
استخراج کرده بعد صاحب طالع را ببیند در هر خانه که باشد از آن

فروغ مهر

بزرگترین تولید کننده

نرم افزار ها و سرویس ها

و کتابخانه ها و اینترنت

www.fmehr.com

www.fmr.ir

info@fmehr.com

خانه برج سیم و یازدهم و پنجم و نهم شماره کرده حروف این بروج
گیرد و حروف اسم سائل را در بسط مسلم ملفوظی تحریر کند بعد حروف
مکرره را بپندارد بعد زیرش سطر نظیره بنویسد بعد آنقدر یک
حروف باشند جدول بقدر خانه ها بنا کرده حروف خالص پر
کند بعد ترفع دهد که سیم و یازدهم و پنجم و نهم از شمار حروف
کرشه زیر سطر نظیره نوشته سطر ترفع تمام کند بعد نظیره داده صدر
ماخر کند از سطر آخر جواب سائل حاصل شود - انشاء الله تعالی

تبعاعده عربی جواب سائل اول سؤال سائل را در بسط مسلم نوشته
اعداد جمع کند بعد از اعداد حروف ملفوظی بنا کرده از هر حرف اعداد
بنا کرده حروف بنا کند نظیره داده صدر ماخر کند جواب حاصل خواهد شد

مثال او بر این چهار مایه حروف میدهم مثلاً اعداد جفر ۳۵۳ اینرا
در لسان عربی ثلاث و خمسين ثلاثة مائه میگویند اعدادش را جمع کند
(۳۲۷۴) اینرا نصف کردیم (۱۶۳۷) سبعة ثلاثين مائه ماد الف
(۱۲۵۰) (۲۲۵) (۹-۲۷) هرک ازک ط این حروف را ملفوظی بنویسد
(ه ا ک ا ف د ا ز ا ک ا ف ط ا) بر این قیاس سؤال را نوشته جواب دهد

نقل است از شیخ بهائی علیه الرحمه تجربه شده و صحت دارد هر کس
حاجتی داشته باشد از شخصی با طهارت سورة النصر را با این شکل به
کف دست راست بنویسد و دست خود را هم قبض نماید و فتیکه به متقابل
شخص منظور الیه برسد کف خود را مفتوح نماید بطوریکه آن شخص نفهمد
☆ از ابن عباس روایت شده و مکرر تجربه شده است بجهت محبت و الفت
در روز دوشنبه یا پنجشنبه بعد از فراغ از نماز صبح باز عفران و سنک و کلاب
و کافور در دوق نانک با اسم و مادر مطلوب و هکذا اسم خود و مادر بعد
آن نوشته را - اجعل الودق فی شمع و خذ یکتک الیمنی و اعرض لک علی
و ارم بک علی الارض الی ان یقع بصره علیک فاذا نظر فاعفده علی ذراعیك
الین و العویذ هذا - ل یحبو نهم کتب الله و الذین امنوا اسد حبا لله یا اهل
یا اهلها یمن للناس حب الشهوات الی قوله حسن الماب - قل ان کتم تجون
الله الی قوله غفور رحیم - و انشیت قلبک فحبة نیتی الی قوله یکفده هذا با اسم فلان
علی حب فلان بحق لا اله الا الله محمد رسول الله -
فصل در باب حروف سبعة که در سورة فاتحه نیست مجموع آن در این آیه
ان آیات سورة انعام بر تیب اینست (فحشظظظ نادل کردیده و آن اینست
او من کان متیناً فاحیناه و جعلنا له نورا یمشی به فی الناس کمن مثله
فی الظلمات لیس بخارج منها کذلک ذنب الکافرین ما کانوا یعملون بعد
۵۹۲ طرح ۱۴ نموده ۲۱۹۵ حروف خالص بنویسد این آیه است
اب ج ه و ز ح ی ک ل م ن س ع ف ر ش ت ث خ ذ ط حروف نورانی

[illegible]

عدد سور قرآن مجید ۱۱۴
ط ح ی ل و م ی ا
طحیلو میا برای حل قفل مژغ
است انشاء الله تعالی عطا ی

جمله اعداد کبیر (۱۴۱۳) اعداد وسطی (۱۴۴) اعداد صغیر (۱۸)
 اعداد صغیر ۹ - اینها در بسط ملفوظی نوشتیم (ج ی م ی ا ت ا غ
 ی ن د ا ل م ی م ق ا ف ح ا ی ا ط بعد از این حروف سؤال
 دادیم (۲۲) انداز این حروف (ب ا ک ف و نقاط ۶) انداز این
 و او بنا کردیم جمله حروف استخراج این شدند (ج ی م ی ا ت ا غ ی
 ل د ا ل م ی م ق ا ف ح ا ی ط ا ب ا ک ا ف د ا و اینها خلاص کردیم
 ج ی م ا ت غ ن د ل ق ف ح ط ب ک و (۱۶) ترفع حروف مستحله
 استخراج کرده بعد نظره داده صدر ما آخر کردیم جواب سائل بخوبی
 ظهور پذیر شد جواب حاصل امروز تا مل کرده بعد از شش ماه
 افلاس و نکبت تودفع خواهد شد - مقصود اینست که ذکر این
 طریقه کرده باشیم - در صفر مقابل

ج	ی	م	ا	ت	غ	ن	د	ل	ق	ف	ح	ط	ب	ك	و	ا	ب	ج	د	ر	ل	م
ف	خ	ظ	س	ح	ن	غ	ص	ض	ه	ج	ت	ث	ع	ذ	ر	ع	ف	ص	ذ	ض	ظ	ف
ج	ی	ه	ا	ج	د	ف	ا	ج	ی	ا	ل	ا	س	ل	ا	ع	ه	ل	ج	س	ل	ا
ا	ج	س	ی	ج	ه	م	ا	ه	ب	ع	د	ا	ف	ل	ا	س	ج	ا	ی	ل	ا	ا

نوع دیگر در جواب سائل شخصی مستی سلیم خان - سؤال کرد که افلاس مرا زور آورده است و سوداگر بودم و گفت مرا تسلی ده و نظر کن و ببین مقدر من چطور است - بنده سؤال را باین ترکیب موافق قاعده جفر نوشتیم و بسط کردم سؤال را و آن سؤال اینست سؤال سلیم خان از ابجد و مفرده نوشتیم (م ق در م ن ج ط و را است) مجموع اعداد اینست ۱۲۶۹ عدد حروف عا عدد نقاط ۱۱ اعداد را حروف ملفوظی و مکتوبی و مسروری نوشتیم (ط اس ی ن ر ا ع ی ن دال ی ا ز ا) بعد اعداد کبیر و اوسط کردیم (۴۵) شد بعد صغیر (۹) حروف بنا کردیم ه ا م ی م ط ا شد بعد طالع سلیم خان برج دلو بود این حروف را نوشتیم (ر ط ک ض ا و ا س ق ر ا ه) دادیم و نظره کردیم بعد از نظره مستحصله استخراج کردیم و بعد

نظره داد و صدر ما آخر نمودیم جواب مقبول نمودار شد بدین طریق

ط	ا	س	ی	ن	ر	غ	د	ل	ز	ه	م	ن	ض	ظ
ث	س	ا	خ	غ	و	ن	ص	ض	ش	د	ظ	ذ	ل	ظ
د	ع	ر	و	ز	ق	ح	ا	ح	ذ	ع	ج	خ	غ	ظ
ص	ب	و	ر	ش	ه	ت	س	ت	ن	ب	ت	ی	ن	ظ
ن	ص	ی	ب	ت	و	ب	ر	ك	ش	ا	ه	س	ت	ظ

این جواب حاصل آمد (نصیب تو برگشته است) بجز د شنیدن این جواب سلیم خان گفت چه تدبیر کنم

این سؤال را مفرده نوشتیم بموجب مذکور بالا بسط کردیم ح ه ت د ب

ی ر ک ن م $\frac{۷۳۴}{۴}$ $\frac{۷۷}{۴}$ ترکیب جدول بالا نمودار است
(دال م ذ ر ع ی ن ح ه)

د	ا	ل	م	ذ	ی	خ	ز	ع	ن	ه			اساس
ص	س	ض	ظ	ك	خ	ت	ش	ب	غ	ق			نظیره
ع	ب	ن	ث	ب	م	ه	و	ك	ن	ا			مستحصله
س	ا	ل	خ	ا	ن	و	ه	ل	م	ب			ترجیح مقوی
ب	س	م	ا	ل	ل	ه	خ	و	ا	ن			صدر نظر

جواب سائل برآمد بِسْمِ اللّٰهِ بِحَوَالِ وَفَعْلِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بسم	الله	الرحمن	الرحيم
الرحيم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحيم	الرحمن
الرحمن	الرحيم	بسم	الله

خیلی بی شمار است و چون مداومت نمود زمانی
نگذشت که سعادت روی آورد و سال و دولت و
(قبال بر آورد که محتاج خلق نکردید از بركت
بسم الله و شرحش طریقی دارد لیکن قدری از

شرح کلمه مبارک که بسم الله الرحمن الرحيم بیان میشود از جهت
که اینجا ذکر شد و بعضی خواص بسم الله را چنان بیان کرده اند
که اگر کسی را حاجتی رود و دهد این کلام شریف بعد از حروف جمل
کبر که هفتصد و هشتاد و شش مرتبه بکهنه بی در پی یک ۷۸۴
عدد تلاوت نماید از برای هر حاجت باشد خصوصاً برای جلب
منفعت یا دفع ضرر یا کسادی که رهای بسته و زیاد شدن رزق
و متاع باذن الله تعالی بکهنه یا در هفتصد تمام نشده باشد حاجات
بر آورده گردد و طلسم مبارک شریف که در بالا مرقوم شده با خود دارد
از کمالات آخر الزمانی در امان ماندن حقیقی باشد - و بعضی خواص
این آیه شریفه را چنان شرح میکنند که اگر کسی حاجتی داشته باشد
هیچ چاره نداشته باشد بپناه بر این آیه شریفه ببرد خدا بیغالی جمیع
حاجات او را بر او گرداند و قاعده و طریق خواندن باین نحو میباشد

که بعد از جمل که پیش گذشت یا شش رکعت نماز بخواند یا سه سلام
هر دو رکعتی بیک سلام و در هر رکعت بعد از یک مرتبه سوره حمد ۱۵
مرتبه سوره الم لشرح و بعد از این دعا را بخواند و عدد مذکور ۷۸۶
بسم الله الرحمن الرحيم را بعد از شش رکعت نماز که ذکر شد و بعد از
ختم این دعا را بخواند و حاجت خود را طلب کند از پروردگار عالم استغاث
بر آورده است و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انی استلک
بفضل بسم الله الرحمن الرحيم و استلک بعظمه بسم الله الرحمن الرحيم
و استلک بجلال و تبارک بسم الله الرحمن الرحيم و استلک بسم الله
الرحمن الرحيم و استلک بجزمة بسم الله الرحمن الرحيم و استلک بملکوت
و کبریا بسم الله الرحمن الرحيم و استلک بعزة و قوه
و قدرة بسم الله الرحمن الرحيم ان ترفع قدیری و تیسر امری و اجبر
کسری و اغنی فقری و اطل غمیری و تقضی حاجتی بفضلك و کرمک
و احسانک یا من هو کفیض جمیع الامر المریر الاسبم الا عظم
الله لا اله الا هو الحق القيوم العلی العظیم الا کرم ذو الجلال و الاکرام
و استلک بجلال الهیة و بعزة العزة و استلک برحمته و بالکبریا
العظمیة و بالتجبروت القدرة ان تجعلی من الذین لا خوف علیهم و
لا یجزون و استلک بدوام البقاء و ضیاء النور ان تجعلی من الصالحین

وَاسْتَلْكَ بِحُسْنِ الْبَهَاءِ وَبِإِشْرَاقِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تَدْخُلَنِي بِرَحْمَتِكَ
فِي جَنَّاتِ النِّعَمِ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ
عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ خَاصَّةً شَخْصِيًّا أَيْعَمًّا
بِمَا بِيَاوَرِدُ خَدَايْتَعَالَى حَاجَاتِ أَوْلِيَاءِهِ أَوْ رَأَوْرَدَهُ كَرْدَانْدَ ابْتِذَاءِ اللَّهِ تَعَالَى

لیک قاعده - سوال و جواب (سوال شد خاتم النبیین کیست

مدخل کبر ۱۹۵۲ عدد حروف ۱۶ عدد نقاط ظاهر استنطاق کریم
ب ن ظ غ - و ی - ی - بسط دادیم - ب ا ن د ن ظ ا غ ی ن و ا و ی ا

نظیر (المجد) ع س غ ر غ م س ن غ ر س ر خ س خ س
نظیر (اعظم) ن م ض م ض م ع ن ض م ص م ت م ت م
ت م ع ب م ض ق ا ح ض س ع غ س ظ ص ظ
ح د ب ع د ل ه س ت ل ا ب ن ا م ا م
م ح م د ا ب ن ع ب د ا ل ه ا س ت

جواب در آمد - محمد ابن عبد الله است (

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید - يَا عَبْدُ عِنْدَ كُلِّ
الْمُرُوفِ خَزَائِنِي فَإِذَا دَخَلْتَ عَلَى خَزَائِنِي لَا تَخْبِرْ أَحَدًا بِأَنَّكَ دَخَلْتَ عَلَى
خَزَائِنِي وَإِلَّا فَانْتِ خَائِنٌ عَلَى اخْتِفَائِي سَنَ دَرَسِينَ بُرْدَ - در پی نمود علای

لیک قاعده دیگر (من یحیی العظام ویحیی رَسِیمٌ -

عدد کبر ۱۴۷۱ و سبیط مجموعی ۶ و سبیط کبری ۱۴۸ = صغیر ۱۳
مراتب نقاط ح ل جمع کل ۱۷۳۷ بسط ا ل ف ع ی ن ت ا غ

ی ن ر ا س ی ن ح ا م ی م ق ا ف ج ی م ی ا ح ل

خلاصه (ا ل ف ع ی ن ت غ ر س ح م ق ج -

با عدد ماه جمادی الثانی) ج م ا د ی ا ث ا ن ی

سال ج ک ر غ - نظیر

ص ض ج ب خ غ ح ن ش ا ت ظ ه ف غ ف ک غ ص ن خ ط س غ

خ ف ذ و ن مستحصله مرافق صفحات جفر جامع

ت خ س ض خ غ س ص ر ط ع ق ع ض ذ ر ر و ض س ق ن

س ک س ق خ خ - نظیر

ح ی ا ل ی ن ا د م ت ه ب ل ک و و ن ل ا ه ش ا ط ا ه ی ی

صدر مآخر) ی ح ی ه ا ا ل ذ ی ا ت ش ا ه ا ا و ل م ر ت

و ه و ب ک ل ش ع ل ی م - یحیی ه ل الذی ا ل ش ه ا ا و ل

مرّة و هو بکل شیء عليم

(قواعد جفریه)

السؤال: مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ (عدد الحروف ۱۹ النقطه
 لا لفظ: غافيطوس - اساس: زش با غ ط ی ز ذ ی و م ال
 اح دا و ب ع س ا ع ف غ ا ن ی ط ا و س -
 نظيره: ش ن ز ع ن ث خ ط س ض ت ص و ب ا ح ج -
 تکریر: ج ش ح ز ا ع ب ن و ث ص خ ث رض ط س -
 مستحصله: ض ق ص ن غ س ب خ ط ض ض ش ش ض غ ه ی
 نظيره: ل و ا غ ی ا ع ی م ل ل ز ر ل ن ق غ -
 الجواب: خ ل ق ه ن ا ل ع ذ ی ز ا ل ع ل ی م -
 (خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ) ۱۷ - مطابق عدد سؤال فوق
 اخذنا مداخل السؤال ومداخل عدد مفرداته ومداخل
 عدد نقطه ثم عملنا بطريق الترتي والمساوات ثم اخذنا
 (الظاهر ينطق بجواب صادق)

(طريق سوال)

اول سوال را مقطع بنویسد و جمع کند عدد او را یکسطر
 بنویسد بعد وسط مجموعی را بگیرد و در پهلوی عدد جمع
 اصل بنویسد ملقب آن عدد حروف علیحد بنویسد بعد حروف
 استخراج نماید بعد صدر مؤخر نماید نظيره کواکب دهد نظيره
 بدو ح دهد بعد حروفات را بمطلوب دهد جواب پروک آید
 در این عمل باید خیلی دقت نماید که اشتباه نه نماید اگر اشتباه شود
 زحمت بهدر رود (سوال امروز دوشنبه اسمعیل پسر هادی
 در خانه مسیح خواهد آمد یا نه عدد اصل ۲۸۱۷ و سبط مصری ۱۶۴
 حروف ۵۴ ثقاط ۹ - زای اض ا د غ ی ن د ا ل س ی ن ق ا ف ه ا
 م ی م ط ا ی ا صدر مآخر) ا ز ی ا ا ی ط ض م ا ی د م ب ا ه
 غ ف ی ا ن ق د ن ا ی ل س - نظيره کواکب ا ی ق غ ن ک ث ن ن
 ث م د ط ن ث ض ط غ ن ن ط س ش ث ن ا ه ض ا ن ث ع غ
 (نظيره بدو ح ا ج ش)
 ج د ا ج ج ا ک ط ذ ج ا ن ه ج ج س ظ ت ا ج ث خ ف ن ج ا و ع
 مطلوب) د ج ب ی د ب ک ک ض د ب ص ج و د د ع غ ش ب د خ
 ث ص خ د ب ه س

جواب (دوشنبه) ب ه ا س م ا ع ی ل ب س ر ه ا د ی ب ه
خ ا ن ه م س ی ح خ ا ه د ا م د

دوشنبه اسمعیل پسر هادی به خاندن مسیح خواهد آمد -

نظریه الیقغ - ای ق غ ب ک ر - ج ل ش د م ت ه
ن ت و س خ ز ع - ذ ح ف ض ط ص ظ

(دائرة الحش)

ا ج ح ش د ل ه - ط س ع ق ت س ب
ج و ن ت ک ل م - خ ذ ص غ ر ص ز ی

طالب	مطلوب	ا	ج	ه	ط	ک	م	ل	ف	ق	ش	ث	ذ	ظ
ب	ا	د	و	ح	ی	ل	ن	ع	ص	ر	ت	خ	ض	غ

جفر خافیه (این قاعده نیاز است به تضعیف بعد از
اینکه حروف سؤال را بسط کرده و تکبیر و اسقاط و جمع و
تفقیص و انحصاص و از دو واج و ترتیب و اخذ نظریه و تکبیر
و تقلیب (این قاعده معلوم نمیشود مکرر) مثال سؤال)

هل للبصرة والبغداد وما والاها آفة غی استقبال
الزمان ولو بعد حين (هر ل ل ل ب ص ر د) الی آخر
بسط حرف کن و اعدادش را در تحت بگذار بحروف جمل که
مدخل گیر نامند - بعد از آن روز سؤال را با حروف مقطعه
بنویس چنانچه ما نوشتیم) ب پ ی ت و بعد از آن بنویس که حال
چند ماه است مثلاً ۱۷ شهر رجب بلفظ عربی (السابع و
العشرین من شهر رجب و اعدادش را در تحت بنویس -

ال س ا ب ع و ال) تا آخر بعد از آن حروف سائل را با حروف
مقطعه و اعدادش بنویس چنانچه ما نوشتیم
اسم سائل مطهر بود و الی خراسان و عدد حروف اسم مکان سؤال
را و اسم مادر سائل و عدد اسم پدرش و عدد اسم سؤال بنویسی
و ساعت وقت را بنویسی توضیح اینکه عدد حروف بسط سؤال و عدد
حروف اسم استخراج شده و عدد اسم ماه سؤال که ام ماه است

و عدد اسم سوال سال که در آن سال سوال میشود بالغظ عربی که چند مدت است از هجرت گذشته است چنانچه در اول نوشتیم جمع را اینست حصه واقعی از اعداد اولاً بالذات بعد از آن حساب نمودیم با قاعده میزانیه حروف که وضع خفض است اینست جناب حصه اعداد سابق چهل حروف است ف نه ذل الی آخر

۸۰ ۷۰ ۶۰ ۵۰ ۴۰ ۳۰ ۲۰ ۱۰ ۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

پایش بنویس بدین قاعده (ف نه ذ ص ل) بعد از آن هر حرف را یکدرجه ترقی بدهی بنظم طبیعی بدین مثال ص ح ض ط س س ق س ص ظ ص ب ن ط خ ط ا ع س غ ح ا ث ض ض ه ح ط ب ع

ج ص ظ ر غ ب س دا خ ع ب س) بعد از این یکدر میان باید نوشت مستحضره گویند

ص ض س ق ص ص ن خ ع خ ت ض ح ب ج ط ا غ س غ ب و باقی حروف را مستحضره گویند

ح ظ س س) ط ب ط ض س ح د ح ط ع ص ر ب ذ ع س

مستحضره فوق ص س ص ن ع ت ح ج ا غ خ) ص ق ص خ ا غ ض ب ط س ب

مستحضره مستحضره ج س ط ط س ض ط ض ب ع ط س ب ص ح ع ر ذ س بعد از آن چهار سطر هم باین ترتیب بنویس سطر آخر را با اول ضم کن و آخرین حروف خارج شود ص س ب ص ه ع ر ذ س

مستحضره مستحضره ص س ص ن ع ت ح ج ع خ بعد از آن چهار سطر نوشتی نظیر ابجدی بنویس اینست نظیر

ا ع ل ت ق ب و) الی آخر بعد از آن منصوب نموده جواب شافی آید ای ف ت ح ب غ د ا ب ع د ث ل ا ت م ا ه ع ا م ع ل ا ی ی د ح ل ا ک و ب ق ت ل ع ا م)

یعنی بعد از ثلاث مائة عام علی ید هلاک کو بقدر عام از هزارانی معلوم شد در مستحضره مستحضره آسانست اصل در آن اعداد است که حروف سوال را حصه نموده چهار حرف استخراج نموده

اول باید شخص سائل این قاعده را بداند که حساب جمل بر پنج نوع
است یکی جمل کبیر است مثلاً الف $\frac{1}{5}$ یی یی یی یی یی جمل وسطی القع
از الف حیات از مآت به عشرات و از عشرات به آحاد بیاوردی

<http://www.FMEHR.com>

عبارت از اوست از این حروف چهارگانه که بعد از نظره و صدر و مآخر که هر چهار حرف در خانه های مذکور عناصر اربعه نوشته مستحصله حاصل کنی

آلثی ^{پادی} ام ط م ف ش ذ

ج ن ک س ق ث ظ

رفع ^{فالی} ب د و ح ی ل ن ع ص ر ت خ ض غ

ترقی

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۴	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۰
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۲	۱۳	۱۴	۱۳	۱۴	۱۴

ک م ن ل د ی ن وسیط مجموعی وسیط صغیر جمع

۱۸۶ ۲۴ ۱۵ ۶ ۳۱

د ف ق د ک ه ی و ال

تقریر مهم در کتابی دیده شده نوشته بود طریقه کونیند یکی از طرق ناطقه جفریه این طریقه است که حروف سوال را نوشته و وضع مکررات نموده و خلاصه حروف را ملاحظه نماید که چند حرف است و کسورات همان حروف را که بمنزله مستحصله است نوشته و مکررات حروف کسور را نیز وضع نماید و ملاحظه نموده که بعد از وضع مکررات کسور چند حرف باقی مانده را مرتب نوشته تا مل نماید که چه عبارت بیرون می آید از او که آن جواب و سوال تو خواهد بود و بمنزله وحی است هرگاه عمل کنی

(از دایره المجد)

زمان گرفته شود یعنی یک در میان حرف اخذ شود صورت دایره اجهری تشکیل میشود

ا ج ه و ز ط ک م س ف ق ش ث ذ ظ
ب د و ح ی ل ن ع ص ر ت خ ض غ

و زمان دایره اجهری دایره اهلطی است

ا ه و ط م ف ش ز ج ل ش د م ت ه
ج ن ک س ق ث ظ ذ ح ف ض ط ص ظ

قاعده حروف اول مراتب از آحاد و عشرات و مئات

(در علم جفر)

(قاعده سوال از جفر جامع)

از کلام مولای متقیان علی بن ابی طالب علیه السلام (از قاعده محمود دحداد و طریقه او آنست که چون خواهند جواب بیاید باید - ۲۸ عمل در حروف سوال بشود تا آنکه حروف سوال نطق شود و آن ۲۸ عمل بترتیب ذکر میشود اول بسط سوال یعنی سوال را بحروف مقطعه باید نوشت حرف حرف دوم جمع کردن عدد آن حروف بعدد ابجد کبیر و جمع آن عدد را مدخل کبیر مجموعی مینامند سوم آنست که آنچه که از حروف حاصل شده و آن مدخل وسط مجموعی مینامند سه مدخل دیگر از آن درست کنند تا جمع مدخل اربعه مینامند و ضابطه او آنست که سه مدخل دیگر را باین روش باید گرفت که آحاد آنها را با الف جمع کنند یعنی تنزل مرتبه الف به آحاد دهر و عشرات را با مآت بعد نوشتن مثلاً مدخل کبیر مجموعی ۱۲۲۵ بوده است هزار را با پنج جمع کردیم شد شش بعد از آن بیت بود عقب شش نوشتیم بعد از آن دولیت بود عقب بیت نوشتیم چنین شد ۲۲۶ بعد از آن شش را با مآت جمع کردیم یعنی تنزل مآت با آحاد که ۸ - شده آنرا نوشتیم بعد از آن هم بیت را نوشتیم بیت هشت شد ۲۸ - این مدخل سوم را

ص ۱۰

(در علم جفر)

والوف در دایره ابجد اخذ شود دایره ایقاع تشکیل مینماید
یعنی بعد از اینکه

ای ق خ ب ک ر ج ل ش د م ت ه
ن ث و س خ ز ع ذ ح ف ض ط ص ظ

حرف اول دایره ابجد گرفته شد بعد باید حرف دهم آنرا
اخذ نمود تا دور تمام شود مثلاً الف اول دایره ابجد است
یاد هم قاف صدم و غین هزارم است - و هكذا
(قال الامام الباقر علیه السلام)

اهط مفسد ناریه - بونیستض قسط الهوی جز
کستفظ مانیة دحلر خغ سهم الثری

خراسم بوسه زمینی که چو در قهقهه سین	{	کته محمد
بشماری که فقط بر زبر شین باشد		عطار ری
گفت نلدان کنش تا نبود پر تر حرام		سینه
این قراری است که در مذهب یاسین باشد		هجری قمری رخت الله علیه

مدخل و سبط مینامند که حاصل شده از مدخل و سبط مجموعی که دومی باشد يك مدخل دیگر که مدخل صغیر گویند باید درست کرده و او اینست که هشت را با دو جمع کرده میشود (۱۰) پس مدخل چهارم که مدخل صغیر بوده (۱۰) شد عمل چهارم از ۲ عمل ما آنت که عدد های، مدخل اربعه را باید استنطاق کرد عمل پنجم آنت که آنحروف را که از مدخل اربعه حاصل شده استنطاق کردیم آنرا ملفوظی و ملبوبی و مسروری باید کرد یعنی دو حرفی و سه حرفی را باید بحرف نوشت مثلاً (۱۱) را الف و لام و فای باید نوشت و قس علیهذا عمل ششم آنت که بعد از ملفوظی جمع باید تاریخ را مثل روز یا شب یا ماه و سال هجرت را مثل آنکه مینویسیم سؤال داد در روز و شب و شنبه بیست و نهم ماه شعبان المعظم هزار و دویست و چهل و هشتم هجرت و یکی از دقائق این عمل آنت که طالع وقت را هم باید نوشت یعنی برجیکه در آن ساعت طالع است و کرب که آن برج خانه اوست باید نوشت

مثل ساعت اول روز و شنبه بوده که سؤال را نوشتیم حساب کردیم آفتاب در برج جدی بوده و جدی خانه مدخل است پس از مدخل را نوشتیم = عمل هفتم = آنت که آن حروف را بتدبیر مثل حروف سؤال بکنند در عدد که بهر قدری که حروف سؤال است حروف اساس نیز بهمان عدد بشود و حروف اساس آنحروف را گویند که از مدخل اربعه و از تاریخ بهم رسیده باشد = عمل هشتم = آنت که این حروف اساس را نظیره کند و نظیره آنت که حرف پانزدهم ابجد را باید نوشت عمل نهم آنت که این حروف نظیره کرده را صدر مؤخر باید کرد که آنها تکیه گویند عمل دهم آنت که این حروف تکیه کرده را مستحصله باید کرد و قاعده آن این است که محتاج است بچهار دایره که ترتیب داده میشود که مراتب دو از آنت که اول ابجد دوم ابثث سوم اهطم چهارم ایغ و یکی دیگر که محتاج الیه است در مستحصله طرح است و طرح ما چهار است طرح ابجد - که ۲۱ - ۲۸ میباشد که مراد طرح حروف است طرح ابثث - که ۱۲ - ۱۹ میباشد که مراد طرح بروج است

طرح کواکب - که ۷-۶ میباشد که مراد طرح کواکب است -
 طرح ایقغ - که مراد طرح عناصر است آن طرح چهار است
 پس معلوم شد که علی که در مستحصله باید بشود چهار دایره است
 و چهار طرح که هشت میشود و هشت دانه عمل که در اسامی شده هفده
 میشود و یازده عمل دیگر آن مانده است که اول باید میرانی حاصل
 شود که هر یک از حروف خازنه را یکی از آن حروف میزان بنسبیم -
 یعنی عدد آنرا ضمیمه کنیم و میزان چهار است از آنکه یک حرف از بیض
 سوال برداریم و یکی از داخل اربعه و یکی از طالع و وقت و یکی
 از تاریخ هجرت مجموع عمل در حروف میزان باشد تا جواب در آید
 و مرتب آن امنیت یعنی مدخل گیر مجموعی حرفی برداریم
 باین طریق که بلا مرتبه نموده حروف را دوم از داخل اربعه حرفی برداریم
 بدین طریق که بلا مرتبه نموده مراتب داخل را - سوم طالع و وقت را که
 در عمل ششم تریخ دادیم نیز بلا مرتبه باید نوشت چهارم تاریخ هجرت
 را بلا مرتبه باید کرد - و بلا مرتبه آنست که آحاد و عشرات و مئات و الوف
 همه را باید آحاد حساب کرد مثلاً ۱۱ ایقغ را چهار حساب میکنیم
 بر میزان حروف آن معلوم شد برای مستحصله پس هجده عمل

در مستحصله شد ۸ دایره - ده و طرح و ده اساس و میران میزرد
 عمل دیگر باقی ماند از بیست و هشت عمل و آن ده عمل مراد از
 مرتبه و درجه و عدد سطور و صفحه و خانه است و چهار از عمل
 عدد سطر و صفحه و جزء و خانه است و عدد آن امنیت که حرف
 اول یکی است دوم سه سیم شش و عمل نوزدهم است که
 دایره اعظم را مینویسیم در عدد سباعی و رباعی که چهار سطر
 حاصل شود سطر اول مرتبه اول - ا ه ط م ف ش ذ سطر دوم
 مرتبه دوم ب و ی ن ص ث ض سطر سوم مرتبه سوم
 ج ز ک س ق ث ظ سطر چهارم مرتبه چهارم د ح ل ع ص خ غ
 و مراد از دور عدد این دایره آنست که هر عددی را در سطر
 مرتبه باید قرار داد

حرف اول خانه را از سطر اول - ا ه ط م ف ش ذ
 حرف دوم خانه را از سطر دوم - ب و ی ن ص ث ض
 حرف سوم خانه را از سطر سوم - ج ز ک س ق ث ظ
 حرف چهارم خانه را از سطر چهارم - د ح ل ع ص خ غ
 باید گرفته شود و اگر مرتبه حروف این قسم درست نشود باید
 مرتبه او را گرفت بهم درجه شدن آن مطلوب گرفتن و مطلوب گرفتن
 است که سطر آحاد را با سطر مئات که مراد آنست که سطر

اه ط م ف ش ذ - مطلوبش - ج ن ک ص ق ث ظ است
 وسطه عشران که - ب و ی ق ص ت ض میباشد
 مطلوبش - د ح ل ع ر خ خ است
 و عکس آن - پس چهار محل دیگر باقی مانده اند از ۱۲ محل
 و از ده محل که شش در دایره ابجد بوده که مراد دایره اھطم
 باشد و چهار محل دیگر از ۲۱ محل را باید از دایره الیقغ
 که مراد دایره الیقغ باشد باید درجه حروف از درست و آن
 دایره از الف تا ط باید نوشت و یا را تا صاد باید نوشت
 و قاف را تا ظ و نیز آن دایره (هشیخ) باید قرار داد
 و حرفی را که بعد از طرح و عدد میزان و عدد سطر و صفه و خانه
 بر روی هم گذارد حرفی که حاصل شد ترقی و تنزل و مساوات
 در این دایره بدهد و هرگاه باز درست نشد عکس آنرا گرفته
 هر حرفی که بشود بنویسد و ترقی و تنزل قاعده اش آلت که
 در دایره الیقغ از احاد بر روی عشرات روی بعشرات رفتن
 ترقی است و از ثانیات روی با احاد آمدن تنزل است میزان

که (هشیخ) باشد از احاد روی بعشرات و ثانیات و الوف ترقی
 است و از الوف روی با احاد آمدن مساوات است و عکس
 گرفتن آن عبارت است از آنکه حرفی که در سطر احاد است می
 بیند در چندم طرف میزان (است تمام شد) آن طرف دیگر مقابل
 آن حرف را بگیرند و می نویسند (تمام شد) قاعده سوال جواب
 از جفر جامع از قاعده محمود دهدار
 و آن شش محل که در دایره اھطم است که چهار مرتبه و دو دیگر
 اند و اوج طالب اند و اوج و افراد طالب افراد

ا	ی	ق	غ
ب	ه	ک	ن
ر	ث	د	م
ج	ل	ش	و
س	ح	ف	ت
خ	ز	ع	ذ
ض	ط	ص	ظ

ا	ب	ج	د
ه	و	ز	ح
ط	ی	ک	ل
م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
ش	ت	ث	خ
ذ	ض	ظ	غ

ا	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط
ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ
غ								

قسمتی حروف مساوات

حروف ترتیب با اعداد آن

حروف مساوات

حروف منزل

حروف ترتیب

ب	۱۱۰	ع	۱۲۰	ا	۱
د	۵۸	ص	۱۶۰	ج	۴
و	۲۴	ر	۴۰۰	هـ	۶
ح	۱۶	ث	۸۰۰	ز	۸
ی	۲۴	خ	۱۲۰۰	ط	۱۰
ل	۳۵	ض	۱۶۰۰	ک	۲۰
ن	۱۱۰	غ	۲۰۰۰	م	۵۰
				ن	۱۲۰
				س	۱۶۰
				ع	۲۰۰
				ف	۴۰۰
				ص	۸۰۰
				ق	۱۲۰۰
				ش	۱۶۰۰
				ت	۲۰۰۰
				ث	۲۴۰۰
				خ	۲۸۰۰
				ذ	۳۲۰۰
				ظ	۳۶۰۰

در اوائل جفر خافیه حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام
میفرماید: یا عبد بحد کُلِّ الحروف خراینی فاذا دخلت علی خراینی
لا تخبر احداً ما نك دخلت خراینی والا وانت خاين علمی
حقیقی است در سینه بود - درسی نبود هر آنچه در سینه بود

یک قاعده جفر است بقاعده عربی
و هذا هذه مثال الزايرجه (سئلنا هذا السؤال) هل محمد يقضى
طلبي ام لا (وكان يوم الاحد عشرة من شهر العربي والشمس مع
درجات من برج الثور وكان رب الساعة القراء ثم ضربنا تحت الرمل
واخذنا حروفه وهي: درك ظ ع م درك ل ع م درك ث غ ج ن
هوش اف ام در) وكان العمل هكذا

عدد
۱۱۷۰ جمله السؤال
۹۷۹ جمله حروف تحت الرمل
۳۷۱ جمله اسم رب الساعة
۴۴ جمله اليوم
۴۶ جمله درج الشمس من اول الحمل
۱۰ جمله الماضي من شهر العربي

المجموع ۵۶۱۳

والباقي بعد القسمة على ۳۳ هو ۱۶۷
الأول واليك صورة الأوفاق المحسدة والمتصلة صفحتها

(در علم جبر)

۶۲

(سوال ار علم الکیر)

ی ا ع ل ی م ا ک س ی ج ه ج ی ن ا س ت
با علم الکیر چه چیز است

عدد کبیر ۹۰۱ بلا مرتبه عدد و سید طرح ذلکی عدد حروف ۱۳ نقاط
۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

نظیر الجدی

حروف شیر مکرر

ال ف ظ ه ن و ص ح ی ج م ص ض ج م ف غ و د ح ی ح م

(منتحصله) ج و ت ا س ج ا ص ف ر ا غ

صدر مؤخر

غ ج ا و ر ت ف ا ص س ا ج

نظیر الجدی

ن ف س ر و ح ج س د ا س ن

(جواب) نفس روح جسد است

(در علم جبر)

۶۲

اول

۱۶	۲۱	۱۴
۱۵	۱۷	۱۹
۲۰	۱۳	۱۸

دوم

۱۲	۱۷	۱۰
۱۱	۱۳	۱۵
۱۶	۹	۱۴

سوم

۱۲	۱۷	۱۰
۱۱	۱۳	۱۵
۱۶	۹	۱۴

دابع

۸	۱۳	۱۴
۷	۹	۱۱
۱۲	۵	۱۰

خامس

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

منتحصله

۵۲	۷۷	۴۲
۴۷	۵۷	۶۷
۷۲	۳۷	۶۲

والعلم ان نزول الأوفاق موضوع في شرح الزاوية

والصا طريقة الأسقاط واليك سطر البواقي للمنتحصله ای

باقی الأسقاطات وتحت وترة المنسوب اليه وهو وتر

ومن جمعهم يكون الجواب ۲۲۱۳۹۲۳۷۴۲۵۲۱۱۲۷۶۶۲۲۱۱

الوتر ۸۲۰۱۶۲۶۱۲۸۹۲۲۵۱۱۷۲۷۱۹۴۶۴۲۴۱۷۲۱۱۴

(الجواب) س ت ق ن ی ل ک ک ل ال م ط ا ل ب ی ا ق ت ی

(ستقضى لك كلاً للمطالب يافتي)

مناذلی ۲۱-۲۱- طرح درجات ۳۰-۳۰ آنچه زوج است حروف
غیر مکرر جسم مجموع سکر و غیر مکرر حروف ترفع بدو ح یلن
چون ترفع دهم (و ح ی ل ن ع ص حروف ترقی ع ص رت
خ ض خ چون ترقی دهم ص رت خ ض غ ط حروف ۲ تنزل
ظ ذ ث ش ق ف س چون تنزل دهم ذ ث ش ت ف س م
حروف مساوات) م ک ط ز ه ج ا چون مساوات دهم م ک ط
ز ه ج ا حروف النار الطالب ا ه ط م ف ش ذ حروف الهواء
المطلوب (ب ر ی ن ص ت ض حروف الماء الطالب ح ر
ک س ق ث ظ حروف التراب المطلوب د ح ل ع ر خ غ
ترقی با ترفع هم تنزل با مساوات بقسمت چار کن بر حرف خود
بجای خود گذار از بهر در مان = چنان قسمت کردانی زخاج
اگردانی را اهل قسمت آن = تو بدو ح یلن ع ص ترفع =
عصر تخضع ترقی ده دو چند ان = تنزل ظا و ذال و ثا و شقفن
مساوات اجهر طاکم داخل آن چو دانستی
سؤال هر چه خواهی کن بشو جواب خود تو آسان

قاعد (بعد از آنکه سؤال را از اسماء الله کردی پس مجموع
۱۰ مقطع بنویس اصول خمس پس ترقی بدو حروف ترقی را و ترفع
دو حروف ترفع را و تنزل دو حروف تنزل را و اگذار حروف
مساوات را بحال خود بعینه نقل کن پس مطلوب هر یک را در پیش
بنویس نظیر ابجدی بکیر پس چهار سطر حاصل شود آنکاه خالص
کن و مزج ده پس سروری و مکتوبی و ملفوظی را جدا بکن
مبسوط بدو پرسته حروف بر چین از هر یک و خالص کن و مزج
ده و بروج نفس جسمش را زنده کن و در تکیر باوی سخن
کن ناطق میآید اصول خمس جمع کیر جمع وسط جمع صغیر عدد
حروف عدد نقاط و حروف ملفوظی این است
اج د ک س ع ص ق ش ذ ض مکتوبی اول عین آخر م ن
و حروف سروری (ب ه ط ظ ح خ ی ف ث ر ت —
و دو پرسته بدینقرار است طرح اول عناصری ۴-۴ طرح
کواکی ۷-۷ طرح افلاکی ۹-۹ طرح بروچی ۱۲-۱۲ طرح

قاعده سؤال — ابن المهدی - عجل الله فرجه الشريف

مدد مدخل کبر - عدد وسط مجموعی - وسط - صغیر

۱۵۲ ۲۵ ۱۶ ۷
ان ق ه ک و ی

الحروف المستخرجه من الأعداد السؤال

ا ث ق ه ک و ی ر

النظرية الأبجدية ش ر خ ه ق ذ ن ر غ ش

الخاء خ ی ن غ ع ب ش ج

الضائفة ی خ غ ق ب غ ا ف

المکمل الجواب غ ا ی ب ع ن خ ف

غایب عن خف

(سؤال) یاد ب کیف یحیی عواقب هذه السنة الآتية

بارسی نیل من جهة اهل ایران من المخبور الشر والتفع الف

مدخل کبر وسط مجموعی وسط کبر صغیر

۲۱۳۳ ۴۵۵ ۷۱۶ ۵
ج ل ق ن غ ه ن ت و ی ذ ه

المحذات عدد السؤال هكذا

ج ک ق ن ر غ ه ن ت و ی ذ ه

نظيره ف ض ه ش ن ق غ ح ر غ ک ن

الفرق ض ح ت ج و غ ق ع ک س ر ر غ

نظيره ل ث ح ل ه ن ه ب ذ ا و ن

المركب ول ا ف ر ح ب ه ذ س ن ت

الجواب

ولا فرح بهذه السنة

ای ق غ ب ک ر ج ل ش د م ر ت ه

ن ث و س غ ز ع ذ ج ف ض ط ص ظ

الضأ سؤال

كيف يمضي هذه السنة الامة لكل المخلوق الايران

مدخل كبير	وسيط مجرى	وسيط كبير	صغير
۳۸۱۴	۱۱۵	۳۸۵	۷
ک ی ض ج غ	ح ی ق	ه ف ش	ز

حروف التول دی ض ج غ م ی ق ه ف ش ز
 لظرة ص غ ل ف ن ق خ م ق ج ز ش
 قوى ط س ج ض م غ و ث ی ل ع ج
 نظيره م ا ف ل ق ن ر ع خ ض ب ق
 مرکب ه ا ف ر ع م ن خ ف ق ب ض

لا فرح من خف قبض

النظرة الأبعدية

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن
 س ع ف ص ق بر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

در تسخیر ج ن) اذ قال ربك للملائكة اتي جاعل في الارض خليفة قالوا اتجعل فيها من يفسد فيها ويهلك الدماء ونحن نسبح بحمدك ونقدس لك قال اتي اعلم ما لا تعلمون —

بعد از طهارت کامل در شب جمعه شروع نماید تا ده شب هر شب ده لوبت آیه فوق بخواند — و ده شب دیگر هر شبی ۱۰ صد نعت مرتبه بخواند و ده شب دیگر هر شبی ۳۵۰ مسبحة و پنجاه مرتبه بخواند تا شب چهارم روز چهارم بصره را رود در کنار آب روان بنشیند و بخواند حاضر خواهند شد (بجهة احضار دروتیه و حاشیه) اسم مبارک الله را که عددش ۷۷ میباشد مانند مثلث ذیل درج کند و مثلث را در مقابل روی خود و بقبله بگذارد و سر و دست و پا بکشد و ترک حیاتی نماید و بعد از اخطاء نماز بخورات کند و اسپند بسند و س لادن حسن لبان مشک در آتش بسوزاند تا اهرار هر شب با ترجمه و حضور قلب بخواند (الله هو) شب اول قدمی سنکین بپوشد شب دوم قدم مرغی بشوید شب سوم در عالم شهود کاملاً بآنها مکلم نماید (در حجاب دیدن در شب محال است) در کف دست نوشته را بگذارد زیر سر و بر و بقبله بخوابد کذلک نری ابراهیم ملکوت السموات والارض و لیكون من المرسلین

فانحص بر زرکی سفر باید قریب سی سال مشغول ذکر کردیم بهر کسی
میر رسیدیم ذکر تجرب و کافی طلب نمودم - روزی در جمع خدمت
فقیری رسیدیم و با او مشغول صحبت شدم اسمش اسد الله منی
حضرت شاه اولیاء علیه السلام و از سلاله دودمان مصطفوی علیه السلام
فقیری با صدق و صفاء و پیش با محبت و وفاء سالک مسالک سبیل الاهی
و از پیروان سلسله جلیله نعمت الاهی خدمت استادان ماقبل رسید
و مرشدان کامل بخیار دیده و ریاضت ها کشیده و با طراف و الکاف
عالم تا حد و خارزم و چین و ماچین گردیده دست ارادت خدمت محرم
میر و نور علی شاه نور الله مضجع دارد - دیدم عجب مرشدی و نیک
استادی است طوق انقیادش بکردن انداختم و کمر اطاعت بر میان
لبتم و دامن خدمتش بر کمر لبتم استاد عالی ذکر و در چارم مطلبی
از او کردم و عدد کرد و در روز بعد از آن دستخطی نوشته برایم
فرستادند نوشته بود که در شب جمعه نصف شب اول یکصد مرتبه
صلوات بفرستد بعد یکصد مرتبه (یا و هائیک) بگوید بعد دوباره یکصد
مرتبه صلوات بفرستد بعد از آن یکصد ده بار این ذکر را بخواند
یا تاهرا العذو و یا الی الولی یا مظهر العجائب یا مریضی علی اما باید
دستها را تا مرفق بالا نموده و دستها را بلند نماید تا سه شب ادامه دهد
یا در خواب یا در بیداری ماه چهره را میگویند والسلام

و اعداد چنان است سؤال را یحربی نوشته و مد اخل اربعه
گرفت و اعداد مد اخل اربعه ۷ ا حروف نموده و بر نام کشیده
و بعداً نظیره ابجدی هر حرف را در تحت آن حروف نوشته
تا آنکه نظایر حروف مرقومه شود و بعد ر جوح بدایر قوای
حروف نموده مطلوب هر حرف حاصل را در زیر آن حروف
مرقوم داشته و بعد ثانیاً نظیره ابجدی آن حروفات قوای
گرفته و حروفات مرکب نموده که جواب حاصل است -

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	ج	ذ	ض	ظ	غ
۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

اولاً باید مطلب را مختصراً بطور سؤال نوشت و بقا عدد
اعداد ابجد کبیر سؤال را باید عدد گرفت ابجد کبیر بالا است

سؤال ما بطور اختصار این است (امام زمان کیست)
 بحساب ابجد سؤال را عدد گرفتیم ۶۷۰ شد باصطلاح این
 علم این عدد مدخل گیر است بعد باید حروف سؤال را قام
 رد با حاد نمود از عشرات و مئات و الوف مثلاً الف را يك و
 سیم را ۴ و كاف را ۱۱ و ش را ۳ و غین را يك باید گرفت -
 حروف سؤال را باین قاعده عدد گرفتیم ۶۷۰ شد این مدخل
 وسط مجموعی است بعد باید حاصل جمع کل سؤال که همان
 مدخل گیر باشد الوف آنرا رد بمئات و مئات آنرا رد
 بعشرات و عشرات آنرا رد با حاد و آحاد آن همان آحاد
 باشد حساب نمود تا مدخل وسط گیر بدست آید مدخل گیر
 ما ۶۷۰ بود باین قاعده مدخل وسط گیر ما ۶۷۰ میشود مئات
 که ۶۰۰ بود و بعشرات نمودیم ۷۰ شد و عشرات آن که هفتاد بود
 رد با حاد نمودیم ۷ شد مجموع ۶۷۰ شد این مدخل وسط گیر
 است مثلاً اگر مدخل گیر ما ۶۷۲ بود مدخل وسط گیر ما ۶۷۲ می شد

این مثال را در دیم برای آنکه اگر مدخل گیر آحاد هم داشته
 باشد باید حساب نمود و اینطور عمل کرد -
 بعد باید مدخل وسط مجموعی را رد با حاد نمود تا مدخل صغیر
 بدست بیاید - مدخل وسط مجموعی ۱۴ بود رد با حاد نمودیم
 ۱۴ شد اگر ۱۴ بود می شد قاعده پیدا کردن این چهار مدخل
 این بود که نموده شد بعد باید عددها را حرف نمود بقاعده ابجد
 باین قسم که ما نوشته ایم

مدخل گیر - مدخل وسط مجموع - مدخل وسط گیر - مدخل صغیر

۶۲۰	۱۴	۶۷	۴
ع	م	ز	د

حروف این چهار مدخل را جمع نمودیم این شد ع خ م ز س د

بعد باید بسط ملفوظی نمود و قاعده این است که حروف را بطریقه
 تلفظ میشود باید نوشت مثلاً ع را عین باید نوشت ما حروف مدخل
 ها را بسط ملفوظی نمودیم چنین شد (ع ی ن خ ا م ی م ز ا س ی ن
 د ا ل - این سطر که سطر اول است سطر اساس گویند باصطلاح
 این علم سطر دوم سطر نظیره است و عمل آن چنین است که حروف

سطر اساس که سطر اول باشد بدایره ابجد ببرند و نظیره بگیرند و دایره ابجد این است که نوشته میشود در وسط قاعده نظیره گرفته شده است که هر حرفی حرف پانزدهم آن نظیره آن حرف است مثلاً الف مین است و نظیره ب عین است و هین و تا آخر نظیره ن غین است

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

سطر اساس که سطر اول سوال بود بدایره ابجد نظیره گرفتیم این شد

۱	سطر اساس	ع	ی	ن	خ	ا	م	ی	م	ز	ا	س	ی	ن	د	ا	ل
۲	سطر نظیره	ب	ع	غ	ی	س	ظ	خ	ظ	ش	س	ا	خ	غ	ص	ص	ض

سطر سوم نسبت بین الحروف است و قاعده چنان است که کلیه حرفهائی که در سطر اساس نوشته شده رد با حاد نمایند آنگاه حرف اول سطر اساس را با حرف دوم سطر اساس پس از آنکه از مراتب خود انداخته و با حاد رد نمود - اگر عدد این دو حرف

با هم متباین باشند یکی را در دیگری ضرب نمایند و اگر با هم متداخل باشند اکتفا با قل عدد بکنند و اگر با هم متوافقند و فوق یکی را در دیگری ضرب نمایند و اگر با هم متقابل اند اکتفا به احد عددین بکنند و آنچه عدد از احد اقسام اربعه حاصل میشود زیر حرف اول سطر اساس بپسند سه بنویسند یعنی در خانه اول سطر سوم -

پس آنگاه حرف دوم سطر اساس را با حرف سوم سطر اساس ملاحظه نماید و از نسبت بین آنها آنچه عدد حاصل میشود در خانه دوم سطر سوم بنویسد پس حرف سوم سطر اساس را با حرف چهارم سطر اساس ملاحظه نماید حاصل آنرا در خانه سوم سطر سوم بنویسد پس حرف پنجم سطر اساس ملاحظه نماید حاصل آنرا در خانه چهارم سطر سوم بنویسد در آخر سطر یک حرفی ماند که حرف آخر سطر است آن حرف را با حرف اول سطر اساس ملاحظه نماید و حاصل آنرا در خانه آخر سطر سوم بنویسد

و جهت آسانی مطلب برای پیدا کردن نسبت بین الحروف مراجع جدول زیر صفحه میتوان بدست آورد و قاعده آنست که حرف اول سطر اساس را با حرف دوم سطر اساس پس از آنکه رد با حاد نماید

خانه منها الیه افقی و عمودی حاصل آنت آن عدد را بردار
مثلاً حرف اول سطر اساس (ع) و حرف دوم (ی) بود در جدول
سطر هفتم افقی و سطر اول عمودی حاصل لا بود در خانه اول سطر
سوم می نویسیم همچنین حرف دوم سطر اساس (ی) بود و حرف سوم
سطر اساس (ن) در جدول سطر اول افقی مطابق سطر پنجم عمودی
حاصل ۵ بود در خانه دوم سطر سوم می نویسیم و جدول حاصل نسبت
بین الحروف این است

	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
ا	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
ب	۲	۲	۶	۲	۱۰	۳	۱۴	۴	۱۸
ج	۳	۶	۳	۱۲	۱۵	۳	۲۱	۲۴	۳
د	۴	۲	۱۲	۴	۲۰	۶	۲۸	۲	۴۶
ه	۵	۱۰	۱۵	۲۰	۵	۳۰	۳۵	۴۰	۴۵
و	۶	۳	۶	۳۰	۶	۶	۴۲	۱۲	۹
ز	۷	۱۴	۲۱	۲۸	۳۵	۴۲	۷	۵۶	۶۳
ح	۸	۴	۲۴	۴	۴۰	۱۲	۵۶	۸	۷۲
ط	۹	۱۸	۳	۳۶	۴۵	۶	۶۳	۷۲	۹

سطر چهارم آنستکه حروف سطر نظیره را که سطر دوم باشد یا دیگر
نسبت داده و حاصل نسبت را بنویسد بطریقی که در سطر اساس
گذشت مطابق جدول عمل نماید از تباین و تداخل و توافق و تقابل
مثلاً حرف اول سطر نظیره ب و حرف دوم خ است خ را برد باحاد
می نایم و میشود - در جدول سطر دوم افقی مطابق سطر ششم
عمودی عدد ۳ نوشته شده در اول سطر چهارم ۳ می نویسیم حرف
دوم سطر نظیره غ و حرف سوم خ است در جدول در سطر ششم
افقی مطابق سطر اول عمودی عدد ۹ نوشته شده در سطر چهارم
خانه دوم و می نویسیم هم چنین الی آخر - و حرف آخر سطر نظیره ض
و حرف اول نظیره ب است در سطر هشتم عمودی جدول مطابق
سطر دوم افقی یا بعکس در سطر دوم افقی مطابق سطر هشتم عمودی
عدد ۴ است در خانه آخر سطر چهارم عدد ۴ می نویسیم و ما بجهت
روشن بودن مثال پیدایش سطر سوم و چهارم را می نویسیم تا واضح شود

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
سطر اساس	ع	ی	ن	خ	ا	م	ی	م	ا	خ	ن	ی	ع	ا	م	ی	ن	خ	ع
سطر نظیره	ب	غ	خ	ا	س	ظ	ح	ظ	س	ی	غ	خ	ا	س	ظ	ح	ظ	س	ی
حاصل نسبت	۷	۵	۳۰	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴
حاصل نظیره	۳	۱۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶

سطر پنجم آنستکه سطر حاصل از نسبت اساس که سطر سوم باشد با سطر حاصل از نسبت نظیره که سطر چهارم باشد ملاحظه نموده عدد اقل هر يك از این دو سطر را از عدد اکثر طرح نماید آنچه باقی ماند زیر آن در سطر پنجم بنویسد در واقع خانه اول سطر سوم را با خانه اول سطر چهارم به بنید هر کدام عددش کمتر است از آنکه عددش زیاد تر است تفریق کند باقی مانده را زیر همان خانه در سطر پنجم بنویسد هم چنین تمام خانه ها را عمل کند تا سطر تمام شود و هرگاه دو خانه عددش مثل هم باشد هر دو عدد را جمع کند و حاصل جمع را بنویسد و این سطر که سطر پنجم است سطر تهمینه گویند —

سطر ششم به قاعده آنستکه حرف اول سطر اساس را با حرف زیر آن که اول سطر نظیره باشد ملاحظه نموده و با یکدیگر نسبت دهد مثل سطر سوم و چهارم مطابق جدول عمل نمایند مثلاً حرف اول سطر اساس که ع بود و حرف اول سطر نظیره که ب بود نسبت دادیم مطابق جدول حاصل نسبت آنها که ۱۴ شد در اول سطر ششم نوشتیم و باقی خانه ها را به همین طریق عمل نماید —

سطر هفتم آنستکه آنچه عدد در خانه دوم سطر ششم است در خانه اول سطر هفتم نویسد و آنچه عدد در خانه سوم سطر ششم است در خانه سوم سطر هفتم نویسد الی آخر سطر و در خانه آخر سطر هفتم عددی که در خانه اول سطر ششم است نویسد —

سطر هشتم آنستکه عدد این دو سطر که سطر ششم و سطر هفتم باشد با یکدیگر ملاحظه نماید آنکه کمتر است از آنکه زیاد تر است کم نماید و باقی مانده را در این سطر نویسد و هرگاه دو خانه عددش مثل هم باشد با یکدیگر جمع نماید و حاصل جمع را بنویسد پس ایش این سطر مثل سطر پنجم است که شرح آنرا نوشتیم و این سطر دهمینه گویند

سطر نهم - قاعده آنستکه همین سطر تهمینه ثانیه را با سطر تهمینه اولی یعنی سطر هشتم را با سطر پنجم ملاحظه نماید عدد اقل را از عدد اکثر طرح نماید یعنی هر کدام کمتر است از آنکه زیاد تر است تفریق نماید و باقی را در سطر نهم بنویسد و هرگاه دو عدد مثل هم باشد با هم جمع نماید و حاصل جمع را بنویسد تا سطر تمام شود و ما بجهت مثال در صورت مقابل سوال خود را از سطر اول تا سطر نهم می نویسیم که بجهت مبتدی سر شقی بوده باشد

۱	سطر اساس	۱	ع	ی	ن	خ	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰		
۲	سطر نظره	۲	ب	ج	ح	خ	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰		
۳	سطر حاصل نظر	۳	ص	ض	ط	ظ	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰		
۴	سطر حاصل نظر اولی	۴	ق	ک	گ	خ	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰		
۵	سطر تکرار اولی	۵	ف	ح	ص	ط	ظ	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	
۶	حاصل نظر دوم	۶	ک	ج	ح	ص	ط	ظ	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
۷	حاصل نظر سوم	۷	خ	ج	ح	ص	ط	ظ	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
۸	سطر تکرار دوم	۸	ن	ج	ح	ص	ط	ظ	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
۹	سطر تکرار سوم	۹	و	ز	ح	ص	ط	ظ	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰

در بیان سطر دهم که سطر حروف دوریه است - و آن چنانست که عدد سطر سیمه از سیمین را که سطر نهم باشد تبدیل بر حرف غاید و سطر دهم را بنویسد و قاعده چنانست که آن عدد را ملاحظه نماید اگر تمام است مثل ۱۰ و ۲۰ و ۳۰ و ۴۰ و ۵۰ و هکذا صد و دویست که حرف آن بحسب مرتبه دس

در بیان سطر دهم که سطر حروف دوریه است - و آن چنانست که عدد سطر سیم از سیمین را که سطر نهم باشد تبدیل برحرف غاید و سطر دهم را بنویسد و قاعده چنانست که آن عدد را ملا حظ غاید اگر تمام است مثل ۱۰ و ۲۰ و ۳۰ و ۴۰ و ۵۰ و ۶۰ و ۷۰ و ۸۰ و ۹۰ و ۱۰۰

ابجد کبیره است آن حرف را از ابجد کبیر بردارد و زیر آن بنویسد و اگر بحساب مراتب حروف حرف بچهل کبیر ابجدی نباشد مثل یازده و دوازده و سیزده الی نوزده و بیست و یک و بیست و دو و بیست و سه الی بیست و هشت اینجا باید حرف آن عدد را بقاعده چهل وضعی که ابجد و سیط است بردارد و زیر آن بنویسد و ابجد وضعی که آنرا چهل و سیط نیز گویند این است

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

و اگر عدد زیاده از بیست و هشت باشد مثل بیست و نه و سی و یک و سی و دو و الی سی و نه و هکذا چهل و یک الی چهل و نه و قس علی هذا که نه در ابجد کبیر و نه در ابجد وضعی پیدا شود آن عدد را باید باین قاعده عمل نماید - عشرات آنرا نه نه طرح کند باقی مانده عشرات را با آحاد جمع نماید و به ابجد وضعی پرده حروف بگیرد مثل بمقتضی عمل مذکور بیست و نه عدد را عشرات آن که بیست است

نه نه طرح می نمایم ~~یا نه نه~~ د و باقی می ماند و د و با نه که احاد آنت
منظم می نمایم یا نه نه میشود - در ابجد وضعی یا نه نه حرف ک است بر می داریم
و می نویسیم مثلاً سی و یک ۱۰ از سی ۹ طرح می نمایم سه می ماند با یک میشود
چهار حرف د را می نویسیم مثلاً سی و دو - از سی پس از طرح ۹ سه می ماند
با دو جمع می کنیم بشود پنج حرف ه می نویسیم ما بجهت روشن شدن مطلب
سطر نهم این سوال را تبدیل بحرف می نمایم بهین قاعده که ذکر شد و سطر
دهم را استخراج می نمایم این است -

سطر نهم	۴	۲	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۱۱	۱۱	۲۴	۲۴	۲	۲۰	۲۸	۹	۷
سطر دهم	د	ب	خ	خ	خ	خ	خ	ی	ک	خ	خ	ب	و	غ	ط	ز

پس از آنکه اعداد که در سطر نهم است بحرف مبدل شد و سطر دهم
تنظیم گردید بد آنکه هر حرفی را چهار حرف لازم است که آن را حروف
دوریه گویند و آن تنزل و ترقی و ترفع و مساوات آن حرف خواهند
بود و آن چنانست که هر حرفی از حروف ابجدی حرف ما قبل آن
حرف تنزل آنت و حرف ما بعد آن ترقی آنت و اگر آن حرف بر تیره
احاد است حروف مشرقیه و مآتیة آن حرف ترفع و مساوات
آن حرف خواهند بود - مثلاً حرف ب (الف تنزل آن و

جیم ترقی آن و - و - - ترفع آن و ک مساوات آنت و دور تمام
حروف از این دایره که دایره ایقغ است معلوم میشود

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ
غ								

و این دایره منقسم است بر افلاک تسعة و صورت ظهور حروف
از این دایره است که الف متداخل حرف حاصل اعداد نسبتی بوده
باشد ب بعد آن و ترقی آنت و غ علی القاعده در شماره دوری
می افتد و تنزل اوست وی و ق ترفع و مساوات آن خواهند
بود و ما بجهت تسهیل حروف ابجد را حرف بحرف جدا جدا دور
میدهم این دور از همین دایره ایقغ برداشته شده است و
اینست - در صفحه مقابل نگارش می یابد -

غ ا ب	ق ا ب	ر ا ب ج	ش ب ج د	ت ج د ه	ث ه و ن	ح و ن س	ذ و ز ح
ض ح ط	ظ ط ی	ق ط ی ک	ر ی ل ل	ش ک ل م	ت ل م ن	ح ل م ن	ذ م ن ه
ن س ع	س ع ف	ع ف ص	ض ف ص ق	ظ ف ص ق	غ ف ص ق	ق ف ص ق	ر ف ص ق
ش ک ت	ت ت خ	ث ت خ	س ت خ ذ	ع ت خ ذ	ف ت خ ذ	ض ت خ ذ	ظ ت خ ذ

ظاهرًا حرف ق چنین است ص ی و حرف ی چنین ط ی ک

(سطر یازدهم در بیان حروف قوا)

۱ پس از آنکه حروف دوریه را فهمیدی و رسم کردی آنگاه اصل حرف حاصل از اعداد نسبتیه که سطر دهم است ملاحظه کند در ابجد وضعی چه عدد دارد آن عدد را ضبط بدارد و حروف مقابل آنرا از سطر اساس نگاه کند و آن حرف مقابل از سطر اساس را در دایره ابجد پیدا کند و از همان حرف بدون عدد نفس الحرف

بآن عدد وضع مضبوط که عدد حرف حاصل از اعداد نسبتیه است بدایره ابجد شماره بر توالی نماید اگر منتهی الیه در دایره ابجد حرفی از حروف اربعه دوریه آن حرف است فبها همان حرف دانست قوای حرف حاصل از اعداد نسبتیه است و مراد بهمان است و اگر منتهی الیه عدد وضعی در دایره ابجد حرف خارج از حروف دوریه باشد مقصود نیست باید طرح کرد —

۲ این دفعه بهمان عدد وضعی مضبوط از حروف نظیره مقابل حرف اساس را در دایره ابجد بدون عدد الحرف از آنجا نیز بر توالی شماره نماید اگر منتهی الیه حرفی از حروف اربعه دوریه آن حرف است فبها و اگر حرفی خارج باشد باز باید طرح کرد —

۳ این دفعه حرف اساس مقابل را باز در ابجد پیدا کند بدون عدد نفس الحروف برخلاف توالی بهمان عدد وضع در دایره ابجد شماره نماید اگر منتهی الیه حرفی از حروف دوریه است فبها و الا طرح کند ۴ این دفعه باز حرف نظیره را در دایره ابجد پیدا کند و برخلاف توالی بدون عدد نفس الحرف بهمان عدد وضع مضبوط شماره نماید اگر منتهی الیه حرفی از حروف دوریه است فبها و اگر خارج است باز طرح کند —

۵ این دفعه یک حرف را کم کند باین معنی که بدون عدد نفس الحرف بدون عدد ثانی نفس الحرف از حرف سیم حرف اساس بحسب ابجد در دایره ابجد بر توالی بهمان عدد وضع شماره نماید اگر منتهی الیه حرفی از حروف دوریه است فيها و الا باز طرح کند —
۶ این دفعه از خود نفس الحرف اساس در دایره ابجد شماره نماید بر توالی بهمان عدد وضعی که در معنی این دفعه حرفی در عدد زیاد کرده باشد اگر منتهی الیه حرفی از حروف اربعه دوریه است فيها و الا باز طرح کند —

۷ این دفعه حرف نظیره اساس را در ابجد پیدا کند و حرفی نیز کم کند و بدون عدد نفس الحرف و بدون عدد نفس الحرف ثانی از حرف سیم با خود حروف نظیره بر توالی شماره کند اگر منتهی الیه بحرفی از حروف اربعه دوریه رسید فيها و الا باز طرح کند
۸ این دفعه از خود حرف نظیره در دایره ابجد بتوالی شماره نماید که حرفی زیاد کرده باشد اگر رسید فيها و الا باز طرح کند
۹ این دفعه باز حرف اساس را در دایره ابجد پیدا کند

و یک حرف بر خلاف توالی کم کند و از حرف سیم اساس بر خلاف توالی شماره نماید اگر رسید فيها و الا طرح کند —
۱۰ این دفعه از خود نفس الحرف اساس که یک حرف زیاد شده باشد بر خلاف توالی شماره کند اگر رسید فيها و الا باز طرح کند
۱۱ این دفعه باز حرف نظیره اساس را در ابجد پیدا کند و از آن بر خلاف توالی حروف کم کند بهمان معنی از سیم حرف نظیره بحسب ابجد در دایره ابجد شماره نماید اگر رسید فيها و اگر نرسید باز طرح کند
۱۲ این دفعه از خود نفس الحرف نظیره که حرفی زیاد شده باشد بر خلاف توالی شماره کند اگر منتهی الیه حرفی از حروف دوریه است فيها و الا باز طرح کند آنگاه بطرح سته مشهوره عمل نماید —

- اول — طرح عنصری چهار چهار
- دوم — طرح کرکبی - هفت هفت
- سوم — طرح افلاکی - نه نه است
- چهارم — طرح بروچی - دوازده است
- پنجم — طرح مبادل - بیست و هشت است
- ششم — طرح درجی است

اول بطرح عنصری عمل کند از حرف اساس یا بر توالی یا بر

خلاف توالی بدون عدد نفس الحرف اگر منتهی الیه بحر فی الحروف
چهار گانه دوریه رسید فیهما و اتلا از حرف نظیره عمل نماید اگر رسید
فیهما و اگر رسید باز طرح کند بطرح جزئی شش شش از حرف اساس یا
حرف نظیره یا بر توالی یا بر خلاف توالی اگر باز نرسید هفت هفت که طرح
کوکی است عمل کند اگر باز نرسید نه نه که طرح افلاکی است و دوازده
دوازده که طرح بروچی است و بنیت هشت بنیت دهشت که طرح منازلی
است و سی سی که طرح درجی است عمل نماید

و ما بجهت تسهیل پیدا کردن حرف قوا جدولی ترتیب داده ایم و تمام
حروف را بجهت هر سئوالی که باشد از این جدول میتوان قوای آنها
پیدا کرد و قاعده چنانست که ابجد حاشیه جدول مثال حروف
حاصل از اعداد نسبتیه هر سئوالی است و ابجد در سطر بالا مثال
سطر اساس و نظیر آنست حرف حاصل از اعداد نسبتیه سئوال خود
را در حاشیه جدول پیدا کند و حرف اساس و نظیره مقابل حرف
حاصل سئوال خود را نیز در جدول در فوق پیدا کند همودی از حرف
اساس و نظیره پایین بیاید و افقی از حرف حاصل پیش رود حرف

قوا بگیرد =

جدول حرف قوا

در صفحه بعد میآید

حروف قوا از این جدول استخراج شود

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
س	ع	ذ	ز	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
ا	ب	ب	ق	ق	ق	ق	ی	ی	ی	ی	ع	ع	ع
ب	ج	ج	ا	ر	ج	ج	ز	ک	ک	ا	ا	ا	ا
ج	د	د	ش	ش	ب	د	د	ر	ر	ش	ب	ب	ب
د	ه	ه	م	ت	ج	ج	م	م	م	ت	ت	ج	ج
ه	و	و	ث	ن	ن	ن	ن	ن	ن	و	و	د	د
و	ز	ز	ح	ح	ح	س	س	س	س	س	س	ه	ه
ز	ح	ح	ذ	ذ	ع	ع	ع	ع	ع	ع	و	و	و
ح	ط	ط	ط	ض	ض	ض	ض	ف	ف	ف	ز	ز	ز
ط	ی	ی	ی	ظ	ی	ی	ظ	ظ	ظ	ص	ص	ح	ح
ی	ک	ک	ط	ا	ا	ا	ک	ق	ق	ا	ط	ط	ط
ک	ل	ل	ر	ب	ب	ب	ی	ر	ر	ب	ی	ی	ی
ل	م	م	ش	ج	ج	ج	ک	س	ش	م	ک	ک	ک
م	ن	ن	د	د	د	د	ت	ت	ت	ل	ل	ل	ل
ن	س	س	ه	ه	ه	ه	م	ث	ث	ث	ه	م	م
س	ع	ع	ع	و	و	و	و	ح	ح	ح	ن	ن	ن
ع	ذ	ز	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	غ
ذ	ز	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	غ	غ
ز	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	غ	غ	غ
ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	غ	غ	غ	غ
ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	غ	غ	غ	غ	غ
ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ
ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ
ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ
خ	ذ	ض	ظ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ
ذ	ض	ظ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ
ض	ظ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ
ظ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ
غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ

در بیان حرف حاصل که سطر دوازدهم باشد و در آن دو مقصد است — مقصد اول — در بیان حاصل او قبل از سؤال و در آن دو مقدمه است — مقدمه اول — آنست که باید در اول حین سؤال اسم روز یا شب و وقت سؤال خود را با عدد آیام گذشته از ماه خود و اسم ماه و سال و آنچه از زمان هجرت تا آن وقت دفته است همه را بحروف مقطعه بنویسد و عدد کبیرا بمجدی دوازده حروف بنویسد آنگاه تمام آن اعداد را بطریق خاندهای چهارگانه آحاد و عشرات و مئات و الوف جمع سازد و آن چهارخانه را مستنطق سازد —

باین معنی که حروف هر عددی را از ابجد کبیر بطریق که در گرفتن مدخل گذشت زیر آن اعداد بنویسد آنگاه عدد آن حروف را با آحاد آن روی حساب جمل صغیر یا بترتیب حرفی بآن عدد در جمل کبیر پیدا میشود آنحرف را بگوید و بنویسد و هرگاه بآن ترتیب عدد در جمل کبیر یافت نشود از روی وضعی عمل کند و حرفی بگوید و بنویسد این یک حرف حاصل از تمام تاریخ مقطعه حین سؤال است این حرف را باید داشت نماید بعد از آن ساعت و وقت سؤال که مثلاً چند ساعت از روز یا از شب

گذشته بحروف بنویسد بعد طالع وقت را بیند چه برجی از مشرق طالع است اسم آن برج را عدد بگیرد و جمع اعداد حروف کند بطریقیکه در تاریخ گذشت —

بعد قرآن مجید را بگوید با وضو پنج صلوات بفرستد و اگر فاتحه بخواند بهتر است و چهار مرتبه قرآن را باز کند و از صفحه دست راست حرف اول صفحه را بنویسد و اگر قرآن نباشد از تسبیح چهار مرتبه بگوید یا مجید و ضعی برده حروف نماید بعد این چهار حرف را حاصل را بحسب استقاط مراتب با آحاد حساب نماید بعد و یک حرف نماید این حرف حرف حاصل و در کوشه ضبط نماید مثلاً - سال هزار و دولیت و هشتاد و دو و شب پنجشنبه سوم ماه شعبان - جمع تمام حروف ۲۲۹۴ حرف (صد و هشت و هشتاد و پنج حرف) طالع وقت سنبله جمع آن ۱۴۷ حرف ل حروف خراسیه دج دج عدد حروف خراسیه ۱۴ حرف (ن) صفحه حروف اربعه مرقوم (ف ه ل ن) جمع آحاد آن ۱۴ حرف حاصل از این چهار حرف که حاصل اول است میباشند — مقصد دوم در بیان سطر دوازدهم که سطر حاصل صفحه اصل سؤال است پس از آنکه سطر دوازدهم را نوشت حرف اول سطر قوا که سطر دوازدهم باشد و حرف اول

سطر اساس و حرف اول سطر نظیره با حرف حاصل از تار پنج و بیست و طالع و حروف قرآنی که همان حرف (ش) باشد که در بالای صفحه تعیین شد عدد این چهار حرف را از روی جمل صغیر یا اسقاط مراتب جمع نموده و بدایره ابجد وضعی برده بهر حرفی که رسید آن حرف را در اول سطر دوازدهم نویسد باز حرف دوم سطر قوا را با حرف دوم سطر اساس و نظیره همان حرف حاصل حساب نماید بطریق مذکور تا با ابجد وضعی برده بهر حرفی که برسد همان را در خانه دوم سطر دوازدهم نویسد و همچنین عمل نماید تا سطر تمام شود و ما بجهت مثال در اینجا مینویسیم

۱۰	سطر دهم	د	ب	غ	خ	غ	غ	غ	غ	ی	ک	خ	ح	ب	و	غ	ط	ز
۱۱	سطر دوازدهم	ه	ک	ظ	و	ا	ظ	ی	ط	ی	ذ	ذ	ک	ق	ق	ی	و	
۱۲	سطر بیستم	ف	ل	ص	ع	ک	ذ	ک	ذ	ن	ف	ف	ل	ی	ف	ک	و	

مثلاً حرف اول اساس (ع) بود عددش ۷ حرف اول نظیره ب بود عددش ۱ حرف اول قوا ه بود عددش ۵ حرف حاصلش عددش ۲ مجموع اعداد هفده شد با ابجد وضعی بحرف (ف) رسید

در اول سطر حاصل نوشتیم حرف دوم سطر اساس (ی) عددش یک حرف دوم سطر نظیره (غ) عددش ۲ حرف دوم سطر اساس (قوا ک) عددش ۱ حرف حاصلش عددش ۳ مجموع ۱۲ شد با ابجد وضعی ۱۲ است در خانه دوم سطر حاصل که سطر ۱۲ باشد نوشتیم و ما بقی خانه ها بدین قیاس است و این سطر سطر حاصل اصل و متهای جواب است —

در بیان سطر سیزدهم که سطر مستحمله است و آن چنانست که حرف حاصل که سطر دوازدهم باشد باید دور بگیرد و در هر دور یک حرف آنست که حروف اربعه دوریه که گذشت با ضافه حرف نظیره حرف حاصل از دایره ابجد و ابنت و اهطم و اقیغ باید دور داد و بجهت واضح شدن مطلب ما حروف ۲۱ گانه داد دور بگیریم

حروف ماری اهطم ف ش ذ	حروف هوایی ب و ی ک ص ت ض
حروف مائی ج ز ک س ق ث ظ	حروف ترائی د ح ل ع ر خ غ

حروف ۲۸ گانه را دور میدهم

ض ق ج	ط و ر	غ ش ا	ک ت ب	س ش ز	س ر خ ح	ن ذ ه
غ ا ب	اب ج	ب ج د	ج د ه	و ه و	ه و ز	و ز ح
ن ی س	خ ک ع	ذ ل ف	ض م ص	ظ ن ق	ق س ر	ک ع ش
ف ض و	ب ظ ک	ص ق ل	و ر ط	ذ ش ی	ر ت س	ز ث ع
ز ح ط	ح ط ی	ط ی ک	ی ک ل	ک ل م	ل م ن	م ن س
ل ف ت	م ص ث	ث ا خ	ز ب ذ	ج ج ض	ط د ظ	ا ه غ
و غ م	ث ذ ن	ح ض ق	ی ظ ر	خ غ ف	م ک ص	ه ل ث
ن س ع	س ر ع ف	ع ف ص	ف ص ق	ص ق ر	ق ر ش	ر ش ت
غ د ا	ر ز ب	ش ج ح	ت ط د	د ی ه	ع ب د	ف ج ز
ظ م خ	ع ن ش	ق س ث	ل ع ظ	ا ف غ	ت ص ذ	ج ق ض
ش ث ث	ت ث خ	ز م خ	خ ذ ض	ذ ض ظ	ض ظ غ	ظ غ ا
ص د ح	ی ه ط	ب د ی	ج ل ک	د ح ل	ط م	س ی ن

حروف حاصل را باین دستور دورداده آنکاه حرف حاصل را
بحرفی از حروف سطر اساس و نظیره نسبت داده بشرط آنکه هم طبعی
از برای آن حرف منسوب الیه حرفی در چهار حرف صفحه بوده باشد و
دایره طبایع این است که هم طبع بودن آنها این معلوم میشود

آنکاه ملاحظه نمایند که حرف حاصل از منسوب الیه اساس یا نظیره
بجسب جدول چه بُعد دارد و بحسب الجدی نیز بُعد آن چه قدر است
بُعد الجدی از هفت زیاده نباشد و بُعد جد ولی هر قدر باشد این
دو بُعد را با هم جمع نمایند و در دایره النسخ که دایره ایست معروف و بیانش
میشود از حرف حاصل بشمار در حرف منتهی الیه را ضبط داشته باشد
که باید از قوای آن باشد و امتحان بر آن جاری شود —

و امتحان آن ایست که بُعد حرف صفحه هم طبع منسوب الیه را در حرف حاصل
و منسوب الیه ملاحظه کند و آن بُعد را بر دو و بعد بنویسند یا کم کنند و در
النسخ بشمار دو اگر بهمان حرف برسد بردارد و الا عمل را استیناف نماید
و صورت و ضوح این عمل آنست که حرف حاصل را بر داشته حرف
مطلوب آن را در اساس یا نظیره پیدا کند که آن مطلوب حرف منسوب
الیاست بشرط آنکه هم طبع از برای آن در صفحه باشد و اگر حرف مطلوب
در اساس و نظیره پیدا نشود یا آنکه پیدا بشود اما در حرف صفحه هم طبع
نداشته باشد مطلوب مطلوب حرف حاصل را در سطر اساس یا نظیره
پیدا کنند که هم طبع در صفحه داشته باشد

اگر حرف مطلوب مطلوب در سطر اساس یا نظیره پیدا نشود یا آنکه
پیدا شود اما هم طبع در صفحه نداشته باشد مطلوب مطلوب مطلوب
حرف حاصل را در سطر اساس یا نظیره پیدا کنند که هم طبع در صفحه

داشته باشد - اگر پیدان شود یا هم طبع نداشته باشد در صفحه قرین
حرف حاصل را در اساس و نظیر با شرط هم طبع داشتن در صفحه پیداکند
اگر پیدان شود یا هم طبع نداشته باشد قرین مطلوب را در اساس و نظیر
پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد -
و اگر در اساس و نظیر پیدان شود یا هم طبع نداشته باشد قرین مطلوب
مطلوب را در سطر اساس یا نظیر پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد
و اگر این حرف نیز در سطر اساس و نظیر پیدان شود یا آنکه پیدا
شود و هم طبع نداشته باشد طالب حرف حاصل را در سطر اساس
و نظیر پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد -
اگر پیدان شود یا بشود و هم طبع نداشته باشد طالب طالب حرف
حاصل را در سطر اساس و نظیر پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته
باشد - اگر پیدان شود یا بشود و هم طبع نداشته باشد در صفحه
طالب طالب حرف حاصل را در سطر اساس و نظیر پیدا کند که هم طبع در صفحه
داشته باشد اگر پیدان شود یا آنکه پیدا شود و هم طبع در صفحه داشته باشد
قرین حرف حاصل را از جنب راست که مقدم است در سطر اساس و نظیر
پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد - اگر پیدان شود یا بشود و هم طبع
داشته باشد قرین طالب را در سطر اساس و نظیر پیدا کند که هم طبع
داشته باشد و اگر پیدان شود یا بشود و هم طبع در صفحه نداشته باشد

قرین طالب طالب را در سطر اساس و نظیر پیدا کند که هم طبع
در صفحه داشته باشد
اگر پیدان شود یا بشود و هم طبع نداشته باشد در صفحه طالب طالب
طالب حرف حاصل را در سطر اساس و نظیر پیدا کند که هم طبع
در صفحه داشته باشد اگر پیدان شود یا آنکه پیدا شود و هم طبع
در صفحه نداشته باشد قرین حرف حاصل را از جنب راست
که مقدم است در سطر اساس و نظیر پیدا کند که هم طبع در صفحه
داشته باشد قرین طالب طالب را در سطر اساس و نظیر پیدا
کند که هم طبع در صفحه داشته باشد - اگر پیدان شود یا بشود
و هم طبع در صفحه داشته باشد قرین طالب طالب طالب را
در سطر اساس و نظیر پیدا کند اگر پیدان شود بطریق ذکر شد
بنظر اینها عمل کند و اگر نشود عمل بنفس حرف نماید
بدانکه بعد مطلوب از حرف دو است و مطلوب مطلوب چهار
و مطلوب مطلوب مطلوب شش است و قرین خود حرف یک
و قرین مطلوب سه و قرین مطلوب مطلوب پنج و قرین مطلوب
مطلوب مطلوب هفت بعد دارد و هکذا برخلاف توالی در المجد

طالب نیز از حرف دو و بعد دارد و طالب طالب چهار بعد و طالب
طالب طالب شش بعد دارد و قرین خود حرف یک و قرین طالب سه
و قرین طالب پنج و قرین طالب طالب طالب هفت بعد دارد —
اینست اشارده که بعد ابجدی از هفت نباید تجاوز بکند مطلوب بر
توالی و طالب برخلاف توالی هر حرفی از حروف ابجدیه حرف بعد
او قرین اوست و حرف بعد قرین او مطلوب اوست و هکذا بر توالی
الی آخره مطلوب و قرین مطلوب اوست تا هفت حرف و کذا
بر خلاف توالی حرف متصل بحرف قرین اوست و حرف متصل بقرین او
طالب اوست برخلاف توالی الی هفت حرف که قرین و طالب او نیند
و از دایره اجهریه معلومست کل حرف و مطلوب او و مطلوب مطلوب
او و طالب و قرین هر یک از آن و طالب او و طالب طالب او و قرین هر
یک از اینها طالب و مطلوب و قرین است که از دایره جلیله اجهریه
معلوم میشود؛ و وسط بالا قرینه دو وسط پائین.

ا ج ه ز ط ک م	س ف ق ش ث ذ ظ
ب د و ح ی ل ن	ع ص ر ت ح ض غ

و دو وسط پائین قرین دو وسط بالا است و هر سطر دو حرف پهلوی

هم طالب و مطلوب همد یکنند، و آخر دو سطر با اول دو سطر طالب
و مطلوبند — مثلاً حرف ز مطلوبش حرف ط است و مطلوب
مطلوبش ک و مطلوب مطلوب مطلوبش م است و طالبش ه و طالب
طالبش ج و طالب طالب طالب طالبش الف است قرین مطلوبش ی و قرین
مطلوب مطلوبش ل و قرین مطلوب مطلوب مطلوبش ن است قرین
طالبش و — و قرین طالب طالبش د و قرین طالب طالب طالبش ب است
و قرین خودش ح است —

محض واضح شدن مثال و فهم مبتدی طالب و مطلوب حروف و
قرین آنها ذکر شد و موقعیکه این طور عمل میکنیم می بینیم در ابجد هر حرفی
تا هفت حرف جلو و هفت حرف عقب خود طالب و مطلوب و قرین طالب
و قرین مطلوب دارد علت اینکه بعد ابجدی از هفت زیاده نباشد که در
اول ذکر شد. این است —

پس از آنکه طالب و مطلوب را فهمیدی قاعده عمل نمودن چنانست که
حرف مطلوب حرف حاصل را در سطر اساس و نظیره پیدا کن که حرف
حاصل بآن نسبت داده شود بشرط آنکه هم طبع از برای آن در حروف
اربعه صفحه بوده باشد و حروف اربعه صفحه چهار حرفی است که از ابجد پنج
و ساعت و طالع وقت و تقال از کلام الله بدست آمد آنگاه بعد جدولی
حرف منسوب الیه را یا حرف معاذی حرف حاصل و بعد ابجدی حرف
منسوب الیه را یا حرف حاصل ملاحظه کند این دو بعد را جمع کند

و در دایره انسخ منقسم بر کوکب سبعة سیاره از حرف حاصل
شماره کند بر توالی یا بخلاف توالی منتهی الیه را اگر از حروف دور
کبیر حرف حاصل است قوای آن خواهد بود آن حرف و نشان
کند و امتحان بر آن جاری کند —
و طریقه امتحان آنست که بعد حرف حاصل از حرف صفحه هم طبع
حرف منسوب الیه سطر اساس و نظیره را ملحوظ بدارد و بود و بعدی
که از حرف منسوب الیه حرف حاصل بحسب جدول و ابجد حاصل شده
ببفزاید و شماره در دایره انسخ نماید بر توالی یا بخلاف توالی اگر حرف
منتهی الیه همان حرف نشان کرده است بردارد که همان مستحصله است
والا بعد حرف صفحه را از بعدین ملاحظه کند و اقل را از اکثر طرح
کند و شماره نماید در دایره انسخ بر توالی یا بخلاف توالی —
اگر منتهی الیه همان حرف نشان کرده است بردارد همان مستحصله است
والا بعد حرف صفحه را با حرف منسوب الیه سطر اساس و نظیره بحسب ابجد
ملاحظه کند و بر بعدین ببفزاید بحسب سیر در دایره انسخ بر توالی یا
خلاف توالی شماره کند اگر منتهی الیه حرف نشان کرده اول است بردارد
والا این یک بعد را با آن دو بعد ملاحظه کند اقل را از اکثر طرح کند
و ثمة آنرا بر دایره انسخ شماره نماید اگر بهمان حرف رسید فیها و الا

استیناف عمل نماید و مطلوب مطلوب حرف حاصل را در سطر اساس
با نظیره پیدا کند بشرط هم طبع بودن با یکی از حروف صفحه پس بعد جدولی
و ابجدی آن حرف را جمع کند بدستور مزبور در دایره انسخ از حرف حاصل
بر توالی یا خلاف آن شماره نماید حرف منتهی الیه اگر از حروف دوریه
دور کبیر حرف حاصل باشد نشان کند و امتحان را بر آن جاری نماید
بدستوریکه ذکر شد بعد حرف صفحه را از حرف حاصل ملاحظه کرده
بر دو بعد ببفزاید اگر بهمان حرف در انسخ نرسد بعد حرف صفحه را
از حرف منسوب الیه بگیرد و ببفزاید اگر برسد فیها و اگر نرسد از دو
بعد کم کند اگر نرسد طرح کند و تجدید عمل از مطلوب مطلوب
نماید بدستوری که مرقوم شد عمل کند اگر نشود بقرین هر یک از اینها بهین
دستور عمل کند اگر نشود تجدید عمل از طالب و طالب طالب و طالب
طالب و قرین هر یک از اینها يك يك علیحدہ بقاعده که مرسوم گشت عمل
کند اگر نشود بنطایر اینها هر يك علیحدہ هفت توالی دست چپ و هفت
خلاف توالی دست راست عمل نماید اگر نشود عمل بنفس حرف بکند
و ضابطه این عمل آنست که باید حرف منتهی الیه از حروف دور را از
حرف دور حرف حاصل که قوای آنست باشد و امتحان مذکور بر آن
جاری میشود و بعضی عمل بر اساس دور نظیره را اقوی دانسته اند
و دایره انسخ منقسم بر کوکب سیاره این است صفحه مقابل

ا	ب	ج	د	ه	و	ز
ن	ی	ل	ک	ی	ط	ح
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
غ	ظ	م	ذ	ح	ث	ت

و باینکه از حروف دو بعدند داشته باشند یک بعد از برای آن باشد مثل آنکه مطلوب یا طالب یا قرین هر یک معادی حرف حاصل در اساس یا نظیر اتفاق افتد که بعد جدولی را فاقد باشد عمل بر همان بعد واحد که عمل بعدین خواهد بود یا عمل بنفس حرف در وقت لزوم شود

مهر	نار	خا	آب	خا	آب	خا
ا	ب	ج	د	ه	و	ز
ن	ی	ل	ک	ی	ط	ح
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
غ	ظ	م	ذ	ح	ث	ت

بعد واحد هیچ امتحان بر آن جاری نمیگردد و عمل بر آن میشود بدقت ملاحظه کرده که غلط و سهو در عمل نشود - اما دایره اعطی که هر هفت حرف آن منسوب یکی از عناصر اربعه است با تعیین عناصر این است که در این جدول نوشته شد
 سطر چهارم - پس از آنکه سطر مستحصله را بدقت فهمیدی و هر سوم نمودی آن سطر را نظیر ابعادی بگیر و سطر چهارم را بنویس پس از آن سطر چهارم را یکدفعه صدر و مؤخر کن سطر پانزدهم را بنویس آنوقت جواب کافی خواهد

و شافی پروان آمده است - و طریقه صدر و مؤخر کردن آنست که یک حرف از آخر سطر چهارم در اول سطر پانزدهم بنویس و یک حرف از اول سطر چهارم در دوم سطر پانزدهم بنویس همینطور بیک حرف از آخر و یک حرف از اول تا سطر تمام شود حرفات سطر پانزدهم را ترکیب کن جواب کافی و شافی بدون میاید

و بدانکه عمل بقوای قوا در صورت رسیدن به بعضی مراتب درک بموجب آن میشود که بسیاری از اعلام این فن بجهت تعجیل در استخراج بآن عمل بعد از ادراک آن گرفته اند تسلط لازم دارد و اصلح در عمل آنست بهیچوجه قوی یا قوای قوا ملاحظه نشود و عمل بهمان بشود و امتحان شود و ما سؤال را از اول الی آخر در زیر صفحه و صفحه مقابل منویسیم

سال هزار و دولیت و هشتاد و دو - شب پانزدهم سیم ماه شعبان
 عدد تمام حروف حرفش ساعت طالع سنبله حرفش
 ۲۲۹۴ ف حرفش ۱۴۷ ل
 حرف قرآنی عددش حرفش صفحہ حروف اربعه عددش حرف حاصل
 دج دج ۱۳ ن ف و ل ن ۲۱ ش
 سؤال احام زمان کیت مدخل کبر مدخل وسط مجموعی
 مدخل وسط کبر ۶۷ ح ع
 مدخل صغیر ۴۰ م
 ۶۷ زس ۴ د

دایره اکیخ عرضاً الیق				دایره ایتغ بوضع غیر مشهور عرضاً ابج			
ا	ک	د	خ	ا	ی	ق	غ
ی	ر	م	ز	ب	ه	ک	ن
ق	ج	ت	ذ	ر	ث	د	م
غ	ل	ه	ح	ج	ل	ش	و
ف	ش	ص	ط	س	ح	ف	ت
س	ن	ث	ض	خ	ز	ع	ذ
ب	ع	و	ظ	ض	ط	ص	ظ

دایره اسر ص عرضاً

دایره اد کغ عرضاً

ا	و	ک	غ	ا	م	ر	ص
ه	ی	ض	ر	ک	ج	ظ	و
ط	ن	ق	خ	ن	ش	ط	س
م	ض	ث	ش	ب	غ	ی	ح
ف	ن	ع	د	ث	ج	ف	ذ
س	ظ	ح	ح	ض	ن	ه	ذ
ذ	ب	ز	ل	ر	ز	ح	ق

دایره ایتغ عرضاً ا. خذ غ ط لا

ا	ج	ق	س	ا	ط	ف	د
ع	ک	ی	ب	و	ن	ت	ج
ذ	و	ن	ض	ک	ق	ظ	ح
خ	د	ه	ل	ع	خ	ه	م
ط	ظ	ز	ر	ش	ب	ی	ص
ص	ش	ج	ض	ض	ر	س	ت
قا	ت	خ	م	د	ل	ر	غ

نارینه (بیت نرینه هوائیه حائیه)
حروف خروف خروف خروف
تا ج حرب محمود کرسی

نارینه (بیت نرینه هوائیه حائیه)
حروف خروف خروف خروف
تا ج حرب محمود کرسی

ا	س	ب	ع	ا	ب	ج	د
ج	ف	د	ص	ه	و	ز	ح
ه	ق	و	ر	ط	ی	ک	ل
ز	ش	ح	ن	م	ن	س	ع
ط	ث	ی	خ	ف	ص	ی	ر
ک	ذ	ل	ض	ش	ت	ت	ح
م	ظ	ن	غ	ذ	ض	ظ	غ

قاعده جفریه

باید حروف را چهار مرتبه بقاعده ترفع و ترقی و تنزل و مساوات جدا نموده و بلا مرتبه کرده یعنی حرف را تمام آحاد حساب کند و اگر از حروف ترقی و ترفع است آنرا زیاد کند که بهم درجه خود رسد و اگر از حروف تنزل است آنرا کم کند و اگر از حروف مساوات است و نه است یک بر آن افزاید و نصف او را گرفته پنج بنویسد ماطن میشود و بعضی گفته اند که هر گاه الف در اول باشد الف نوشته میشود اگر در مرتبه دوم است (ب) نوشته میشود در سوم جیم و هکذا سایر حروف آنرا بنظر ترقی مینماید تا

بمطلوبش برسد —

باید سوال را محرز ساری و سد اخل ثلاثه او را گرفته داخل تمام نمائی و بسط عددی کرده باز داخل ثلاثه گرفته خلاصه نموده تکثیر کنی و از سطور تکثیر سطور خانه مطلوب بگیری و حروف مکتوبی و سروری و ملفوظی جدا سازی پس مزاج دهی و غریزه نموده اگر ندعی یافتی و الا تکثیر نموده جواب دریابی —

جهت احصار شخص و خلاصی زندانی خواند شود بدین طریق (خواجه خضر صاحب سلطان پر مشکل آسان پر دل که صفا کرد دشمن کور بر بحق لا اله الا الله - اول چوبی را نصب زمین کرده بطوریکه حرکت نکند و سحر عدد پنج آهنی آورده (منتر) یعنی همان کلمات خواجه خضر را بهر یک از آن میخاسته مرتبه خوانده بر سر همان چوب بگوید آنوقت آن چوب را در آورده و در محل خواب دفن کند - اسم... مطلب بر آورده است منقول است عمل مرحوم آقای سید احمد آقا قاضی طباطبائی است رحمة الله علیه (ختم یا علی) برای مطلب عسر الحصول دو ازرده هزار کعبه یا علی (دفع دشمن) (از حضرت ثامن الائمه علیه السلام نه شب هر شب هزار مرتبه (القادر) بگوید دشمن هلاک شود یا آواره گردد بجهد هلاک دشمن دو ازرده زور هر روز دو ازرده مرتبه سوره الحاقه بخواند چون به آیه خذوها فقلوه ثم اجمعهم صلوه رسید ۴ مرتبه تکرار کند (برای هلاک دشمن) در یک مجلس هفتاد بار بخواند مجرب است بسم الله الرحمن الرحيم - اللهم شئت شئتكم وخرق جفتم وقلب تذبیرهم وخرق بنیانهم وبدل احوالهم وقریب اجالهم وخیط اعمارهم

وَأَشْغَلُهُمْ بِأَبْدَانِهِمْ وَخُدُوعِهِمْ أَخَذَ حَبْرٌ مَسْتَدِيرٌ يَا قَهَّارُ يَا قَهَّارُ
يَا جَبَّارُ يَا جَبَّارُ (در خواب دیدن مراد روایت شده است که از علی بن
ابی طالب علیه السلام فرمود هر کس اراده نماید مراد خود را در خواب
بیند شش رکعت نماز بخواند قبل از خواب در رکعت اول فاتحه و تسبیح
و تحمید ۷ مرتبه در رکعت دوم بعد از فاتحه و التَّحْمِيدُ ۷ مرتبه و در
رکعت سوم بعد از فاتحه ۷ مرتبه و الضحی و در رکعت چهارم بعد از فاتحه
۷ مرتبه سوره الم نشرح و در رکعت پنجم بعد از فاتحه ۷ مرتبه و التین و در
رکعت ششم بعد از فاتحه ۷ مرتبه انا الزَّالِمَةُ فی لیلۃ القدر و بعد از فراغ
حمد و ثناء خداوند تبارک و تعالی بجا آورد و بخواند اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَرَبِّ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
وَرَبِّ خَيْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَغُرْدَائِيلَ وَنُزُولِ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ
وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ أَرْبِي فِي مَنَافِي اللَّيَالِي مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي
أَكْرَمُ شَيْئًا أَدْرِي فِيهَا أَكْرَمُ دِيَارٍ أَكْرَمُ تَابَعٍ شَبَّابَةٍ دَهْدَانٍ خَافِدٍ
(در تفسیر روح) هفت روز و نه روز بگوید و آخر روز به چهارشنبه پیفتد و هر روز
غسل نماید و لباس پاکیزه در بپوشد و در خلوة در خود را خط بکشد و این
ذکر را هزار و پنجاه بکمرتد بخواند و بشرط جود غیبه بخوابد و در روز آخر هفت نفر
ارواح حاضر نمایند و فرسند و شرط هم از معاصی اجتناب و رزق تا از باطن قهر
شود اینست (ذکر) يَا زَاكِيَ الظَّاهِرِ مِنْ كُلِّ أَفَقٍ بِقُدْرَتِهِ (حرره محمد عطار)

(لقد انعمت صغرت آدم صفی الله)

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين
اتما بعد هذا الكتاب سر الله الاعظم وهو سر الرباني الذي في عالم
الجماني علم الله تعالى خليفة آدم عليه السلام اعلم يا بني آدم ان الله
خلق الاشياء وخلق اسرارها ونيصرف فيها ثم قال عز وجل المخلوقات
تحت خواص حفظ هذه الاسماء وذلك ان جميع ما في السموات وما في
الارض وما بينهما داخل فيها لا يقدر شيئا يخرج عن هذه فلما كانت
ارادة الله تعالى في ذلك جعل لها خواصا واسراراً وطبايع اودعها
اسرارها فيها كذلك ما في الموجودات ثم بين ذلك جميعاً لادم عليه السلام
واراد ان يثبت لادم حجة على الملائكة ويعلمهم بان ادم عليه السلام
احق بالخلافة منهم فقد ظهر كرامته مما ذكرته منهم (فقال) يا ادم
انبئهم باسمائهم فلما انبئهم باسمائهم قال (الهم اقل لكم اني اعلم غيب
السموات والارض واعلم ما تدون وما تكتمون فدل هذه الآية على
ان الله عز وجل علم اسرار المحروف وطبايعها وما يصرف فيها و
يثبت العبر عن مسائل التي سئل عنهم منها سبعة سألهم عنها وعن علمها
لادم عليه السلام واعلمهم بفضل ادم في العلم الذي اودعه فيه